داوری گروهی؛ رهیافتی برای حل‌وفصل اختلافات ذی‌نفعان متعدد (مطالعهٔ تطبیقی)

چکیده

تحول روزافزون شیوه‌های حل‌وفصل اختلاف در پاسخ به رشد تعاملات تجاری، نظام داوری را با ضرورت مدیریت کارآمد اختلافات متکثر و دارای ذی‌نفعان متعدد روبه‌رو ساخته است. در این میان، داوری گروهی به عنوان سازوکاری نوآورانه شکل گرفته است تا از طریق تلفیق نهاد دعاوی گروهی با داوری، امکان رسیدگی یکپارچه به ادعاهای مشابه خواهان‌های متعدد را فراهم آورد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی تطبیقی، به بررسی داوری گروهی به‌عنوان سازوکاری نوین جهت ایجاد توازن میان دسترسی به عدالت و کارآمدی داوری می‌پردازد. تلاش می‌شود تا ضمن تبیین ابعاد بنیادین و ماهیت داوری گروهی، رویکرد موافقت‌نامه داوری در قبال این نهاد، جایگاه آن در قیاس با مفاهیم مشابهی نظیر داوری چندجانبه و نظام شناسایی و اجرای آرای صادره از آن روشن گردد. دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که داوری گروهی، علی‌رغم پیچیدگی‌های مرتبط با تفسیر موافقت‌نامه‌های مسکوت و چالش‌های ناظر بر محرمانگی، تعارضی با ارکان اساسی داوری همچون حاکمیت اراده و دادرسی منصفانه ندارد. افزون بر این، چارچوب‌های بین‌المللی موجود، بستر مناسبی برای شناسایی و اجرای آرای صادره در این فرآیند فراهم می‌آورند. در نهایت، امکان‌سنجی ظرفیت‌های نظام داوری ایران نشان می‌دهد که با اتکا به اختیارات ذاتی مراجع داوری در تعیین محدوده رسیدگی و همچنین ظرفیت‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی، مبانی لازم برای پذیرش و کاربست این رویه نوین در ایران وجود دارد.

واژگان کلیدی: داوری گروهی، داوری انبوه، ذی‌نعفان متعدد، موافقت‌نامه داوری، شناسایی و اجراء آرای داوری

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited
ویراستاری‌نشده | نسخه‌ی اولیه | در انتظار انتشار

مقدمه

حل‌وفصل اختلافات در تجارت بین‌الملل از اهمیت بسیار برجسته‌ای برخوردار است. وجوه ممیزه این قسمت از یک سو اطمینان‌بخشی و ثبات برای تجار و سرمایه‌گذاران است و از سوی دیگر سهولت دسترسی به‌شیوه حل و خاتمه دادن سریع به خصومت است (نیکبخت، ۱۴۰۲: ۱۳). در عصر جهانی‌شدن تجارت، توسعه شتابان نهادهای تجاری و پیچیدگی روزافزون روابط اقتصادی، نهاد داوری به‌عنوان جایگزینی کارآمد، تخصصی و مبتنی‌بر حاکمیت اراده برای رسیدگی‌های طولانی قضایی، جایگاه ویژه‌ای در نظام حل‌وفصل اختلافات یافته است. با گسترش استفاده از شرط داوری در روابط تجاری و واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نوین از جمله ظهور پلتفرم‌های دیجیتال، قراردادهای انبوه و دعاوی مشابه میان اشخاص متعدد و طرف قراردادی واحد، منجر به بروز نوعی از اختلافات با ماهیت گروهی شده است. ویژگی بارز و مشترک این دسته از اختلافات، وجود ذی‌نفعان متعدد با خواسته‌ها و خسارات هم‌سنخ، اما غالباً خرد و پراکنده است. در چنین بستری، شیوه‌های سنتی حل‌وفصل اختلاف، اعم از دادرسی‌های قضایی فردی و داوری‌های مستقل و متکثر، با چالش‌های ساختاری جدی روبه‌رو شده‌اند. از یک سو، اقامه دعاوی فردی هم‌زمان به اطاله دادرسی، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور و خطر صدور آرای متعارض می‌انجامد و از سوی دیگر، به دلیل عدم تناسب میان خسارت فردی و هزینه‌های دادرسی، حق دسترسی به عدالت برای بخش عمده‌ای از زیان‌دیدگان مسدود می‌گردد.

در پاسخ به این ضرورت و به‌منظور ایجاد توازن میان صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان رسیدگی و دسترسی به عدالت، نهاد «داوری گروهی»[1] به‌عنوان سازوکاری نوین شکل گرفته است. این نهاد که با عنوان‌های «داوری دعوای گروهی»[2] یا «داوری در سطح گروه»[3] نیز شناخته می‌شود، به طور صریح عناصر «دعاوی گروهی»[4] به سبک ایالات متحده را وارد بستر داوری می‌کند، به‌گونه‌ای که به عنوان یک «شیوه منحصربه‌فرد آمریکایی»[5] توصیف شده است. بنابراین داوری گروهی آیینی است که به موجب آن یک یا چند خواهان معین یا راهبر، خواسته‌های خود را به نمایندگی از گروهی از خواهان‌های نامعین مطرح می‌کنند. تعداد خواهان‌های نامعین ممکن است از ده‌ها تا صدها هزار نفر باشد، هرچند ممکن است در آغاز داوری، همه آن‌ها شناسایی نشده یا قابل شناسایی نباشند (Strong, 2013a, pp. 6-7). در تعریفی دیگر داوری گروهی شکلی از داوری دانسته‌شده است، که به یک یا چند طرف اجازه می‌دهد تا ادعایی را به نمایندگی از دیگرانی که در موقعیت مشابهی قرار دارند، نزد یک دیوان داوری مطرح کنند (Waincymer, 2012, p. 581). اگرچه این نهاد با دادرسی گروهی در محاکم قضایی مشابهت‌هایی دارد اما تفاوت‌های این دو آشکار است، زیرا داوری گروهی ویژگی‌های بارز داوری را اعمال می‌کند و افزون بر آن، اعضای گروه صرفاً به کسانی محدود می‌شوند که تابع موافقت‌نامه‌های داوری مشابهی هستند. در مقابل، داوری گروهی با داوری سنتی نیز متفاوت است، از یک سو نماینده گروه به نیابت از سایر اعضای گروه به دنبال دادخواهی است و از سوی دیگر موضوعاتی مانند تایید گروه، مسائل مربوط به ابلاغ و پیوستن به گروه یا خروج از آن که در داوری‌های معمول مطرح نمی‌شوند، در این نوع داوری بروز می‌یابند (Capes & Schafler, 2013, p. 2). داوری گروهی معمولاً در اختلافات مربوط به حقوق مصرف، روابط استخدامی و اختلافات حوزه درمان استفاده شده است، اما این

[1] Class Arbitration
[2] Class Action Arbitration
[3] Class wide Arbitration
[4] Class Action
[5] Uniquely American Device

سازوکار به این حوزه‌ها محدود نمی‌شود و می‌تواند طیف گسترده‌ای از اختلافات بیمه‌ای و مالی گرفته تا دعاوی دریایی و آنتی تراست را در بر گیرد (Strong, 2012b, p. 935).

داوری گروهی از حیث نحوه شرکت اعضای گروه در فرآیند داوری به دو دسته «خروج محور»[6] و «ورود محور»[7] طبقه بندی می‌شود. آنچه که تعریف آن مورد اشاره قرارگرفت و در ایالات متحده رایج است، شیوه خروج محور می‌باشد. در داوری گروهی به شیوه ورود محور که عمدتاً در کشورهای اروپایی رواج دارد، خواهان‌ها به جای آنکه به طور خودکار به عضویت گروه درآیند، باید اقداماتی به منظور پیوستن به آن انجام دهند؛ بدین معنا که تمایل و اراده خود را برای مشارکت در فرآیند رسیدگی، اعلام نمایند(Konukpay, 2019, p. 655). این تفاوت که میان «دعوای جمعی»[8] و «دعوای گروهی» نیز صادق است، به روشنی در یکی از آرا به این شرح بیان شده است: « ... دعاوی جمعی از نوع دعاوی ورود محور هستند؛ بدین معنا که هر یک از اعضای گروه باید برای مشارکت در دعوا، اقدامات لازم جهت پیوستن به آن را انجام دهد. در مقابل، دعاوی گروهی از نوع دعاوی خروج محور محسوب می‌شوند؛ به این معنا که اعضای گروه به‌طور خودکار در دعوا مشارکت دارند، مگر آنکه با اتخاذ اقدامات صریح، انصراف خود را از عضویت در گروه اعلام کنند. دعاوی جمعی صرفاً نسبت به خواهان‌هایی که در وضعیت مشابه قرار دارند و به‌صراحت رضایت خود را برای پیوستن به دعوا اعلام کرده‌اند، واجد اثر الزام‌آور هستند.»[9]

داوری گروهی که در ابتدا به چند ایالت آمریکا محدود بود، در طول چند دهه گذشته رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. یکی از این موارد به کشور آلمان مربوط می شود. در سال ۲۰۰۹ دیوان عالی کشور آلمان در رایی[10] اعلام کرد که اختلافات میان سهام‌داران قابلیت ارجاع به داوری را دارد. در اواخر همان سال، «سازمان داوری آلمان»[11] مجموعه جدیدی از قواعد تخصصی را تحت عنوان «قواعد تکمیلی برای اختلافات حقوق شرکت‌ها»[12] تدوین کرد که آیین‌های رسیدگی مورد استفاده در داوری‌های مربوط به انواع خاصی از اختلافات سهام‌داران را تبیین می‌کند(Strong, 2011, p.47). برخلاف سایر کشورها در اسپانیا، مکانیسم داوری گروهی بر پایه قانون‌گذاری استوار است.[13] این امر بسیار متمایز و منحصربه‌فرد است؛ چرا که در تمامی کشورهای دیگر، داوری در ابعاد گسترده در پی طرح یک پرونده و صدور رای قضایی شکل گرفته است که طی آن، دادگاه تلاش نموده تا فرآیند رسیدگی گروهی را با نهاد داوری تلفیق کند. در این کشور این نوع داوری صرفاً در خصوص دعاوی حوزه مصرف اعمال می‌شود (Konukpay, 2019, p. 668).

تعریف کوتاهی از داوری گروهی مورد اشاره قرار گرفت. پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که داوری گروهی چگونه می‌تواند ضمن حفظ کارآمدی در حل‌وفصل اختلافات ذی‌نفعان متعدد، میان ضرورت‌های رسیدگی گروهی و اصول

---

[6] Opt-out
[7] Opt-in
[8] Collective Action
[9] Velez v. Perrin Holden & Davenport Capital Corp., 2011, p. 447.
[10] براساس این رای برای ارجاع اختلاف به داوری باید شرایط زیر وجود داشته باشد: ۱) تمامی سهامداران، خواه از طریق شرط داوری در اساسنامه و خواه به موجب موافقت‌نامه مجزا، با ارجاع امر به داوری موافقت کرده باشند. ۲) تمامی سهامداران باید از آغاز فرآیند داوری و تحولات بعدی آن مطلع شوند و حق مشارکت در داوری به آن‌ها اعطا گردد. ۳)کلیه سهامداران باید فرصت مشارکت در تشکیل دیوان داوری را داشته باشند. ٤)کلیه اختلافات باید در دیوان داوری واحدی حل و فصل گردد.
S v. M, Case No. II ZR 255/08 (German Federal Court of Justice, 6 April 2009) cited in: (Konukpay, 2019, p. 666)
[11] German Arbitration Institution (DIS)
[12] DIS Supplementary Rules for Corporate Law Disputes (in force as from September 15, 2009).
[13] بنگرید به:
Real Decreto 231/2008.

بنیادین داوری، نظیر حاکمیت اراده، دادرسی منصفانه و قابلیت اجرای فراملی توازن ایجاد کند؟ از این رو پژوهش حاضر از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت نخست ضمن بررسی پیشینه، ماهیت و ارزیابی داوری گروهی، این شیوه از حل‌وفصل اختلافات با مفاهیم مشابه مرزبندی خواهد شد. در قسمت دوم رویکرد موافقت‌نامه داوری در قبال داوری گروهی بررسی شده و نظام شناسایی و اجرای آرای صادره از آن تبیین می‌گردد. در نهایت این شیوه در نظام داوری ایران مورد بحث قرار گرفته و کاربست آن در این نظام، امکان‌سنجی خواهد گردید.

۱. ابعاد بنیادین و پیکربندی داوری گروهی

۲,۱. پیشینه

داوری گروهی برای نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی، همزمان با صدور دستور برخی دادگاه های ایالتی آمریکا مبنی بر برگزاری داوری ها به صورت گروهی، مورد استفاده قرارگرفت. به این نحو که اجازه دادند دعاوی مطرح‌شده توسط یک طرف، به نمایندگی از تعداد زیادی از خواهان‌های دارای وضعیت مشابه که همگی دارای موافقت‌نامه‌های داوری یکسان با خوانده واحد بودند، اقامه شود(Born & Salas, 2012, p. 21) . برای درک سیر تکامل داوری گروهی، آگاهی از تاریخچه دعوای گروهی در ایالات متحده ضروری است، زیرا این دو شیوه حل و فصل اختلاف به‌طور ناگسستنی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در واقع، داوری گروهی در نتیجه نارضایتی خواندگان شرکتی از دعاوی گروهی ایالات متحده توسعه یافت. دعوای گروهی مدرن در سال ۱۹٦٦ در نتیجه اصلاحاتی در «قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده»[14] پدید آمد؛ تغییراتی که منجر به افزایش فرصت‌ها برای طرح ادعاهای گروهی، به‌ویژه در موقعیت‌های متضمن خسارات مالی شد(Hensler, 2000, p. 22). علی‌رغم تلاش‌های جامعه تجاری برای محدود کردن دعاوی گروهی، استفاده از این نهاد در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش یافت. هنگامی که این تلاش‌ها با شکست مواجه شد، کسب‌وکارها برای رهایی از این وضعیت به حوزه در حال رشد روش‌های جایگزین حل‌وفصل اختلافات روی آوردند. این اقدام بر پایه این تصور بود که گنجاندن شرط داوری، با الزام ارجاع تمامی دعاوی به داوری که در آن زمان صرفاً به معنای داوری دوجانبه انفرادی تفسیر می‌شد، امکان طرح دعوای گروهی را از بین می‌برد (Sternlight, 2002, p. 13).

از آنجا که قانون داوری فدرال و قواعد آیین دادرسی مدنی در خصوص داوری گروهی ساکت بودند (Powell & Bales, 2011, p. 311)، دادگاه‌ها در ابتدا داوری گروهی را تنها در صورت تصریح در قرارداد مجاز می‌دانستند،[15] اما پرونده «کیتینگ»[16] با تلفیق الزامات دادرسی گروهی و داوری، گامی مهم در پذیرش کارآمدی این نهاد نسبت به داوری دوجانبه برداشت.[17]

---

[14] U.S. Federal Rules of Civil Procedure

[15] به عنوان نمونه دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده در پرونده‌ای چنین مقرر کرده است: «در غیاب مقرره‌ای در موافقت‌نامه داوری طرفین که رسیدگی گروهی به اختلافات را پیش‌بینی کرده باشد، دادگاه بخش اختیاری برای تأیید داوری گروهی ندارد.»

Champ v. Siegel Trading Co., Inc., 1995, p. 269.

[16] Keating

[17] Southland Corp. v. Keating,1984.

با این حال، نقطه عطف بنیادین در نظام حقوقی آمریکا، صدور رأی دیوان عالی ایالات متحده در پرونده «بازل»[۱۸] بود که به ابهامات صلاحیت دادگاه‌ها در صدور دستور رسیدگی گروهی پایان داد. در این پرونده گروهی از خواهان‌ها دعوای گروهی در دادگاه ایالتی علیه شرکت «گرین‌تری»[۱۹] اقامه کردند و مدعی شدند که وام‌های نوسازی مسکن شرکت «گرین‌تری» قانون حمایت از مصرف‌کننده کارولینای جنوبی را نقض کرده است. خوانده به تأییدیه دعوای گروهی اعتراض کرد و خواهان ارجاع پرونده به داوری شد. دادگاه بدوی هم دعوای گروهی را تأیید کرد و هم طرفین را به داوری ملزم نمود. داور با رسیدگی به پرونده در قالب داوری گروهی، شرکت «گرین تری» را به پرداخت خسارت محکوم کرد. پس از طی مراحل تجدیدنظرخواهی در نهایت دیوان عالی ایالات متحده مقرر داشت که مجاز بودن داوری گروهی در فرض سکوت قرارداد، ماهیتاً مسئله‌ای مرتبط با تفسیر قرارداد است. بنابراین، تشخیص رسیدگی به اختلاف به صورت گروهی در صلاحیت انحصاری هیئت داوری قرار داشته و محاکم قضایی فاقد صلاحیت دخالت در آن هستند.[۲۰] این رأی موانع رویه‌ای پیشین را برداشت. به داوران اختیار داد تا در صورت عدم منع صریح در قرارداد، سکوت را به جواز ضمنی داوری گروهی تفسیر کنند. همین امر موجب افزایش چشمگیر استفاده از این نهاد شد.

در نهایت، به فاصله کوتاهی از صدور رأی «بازل»، سازمان‌های داوری چون «انجمن داوری آمریکا»[۲۱] و «خدمات داوری و میانجیگری قضایی»[۲۲] قواعد اختصاصی خود را برای داوری گروهی تدوین و اجرایی کردند. با این وجود تحولات راجع به داوری گروهی به این رای محدود نشده و در اثر صدور آرای دیگر از دیوان عالی ایالات متحده دستخوش تغییراتی شد که در مباحث آتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳,۱. ماهیت

تحلیل ماهیت داوری گروهی و تعیین جایگاه آن در مرز میان داوری سنتی و دادرسی قضایی، نخست نیازمند ارزیابی پایبندی آن به ارکان بنیادین داوری، یعنی تراضی و ترافعی بودن است. عنصر تراضی در این سازوکار در دو سطح «اولیه»[۲۳] (توافق بر ارجاع اختلاف به داوری) و «ثانویه»[۲۴] (توافق بر رسیدگی به شیوه گروهی) احراز می‌شود که طبق تفاسیر غالب از رویه‌های قضایی،[۲۵] وجود رضایت ضمنی نیز برای تشکیل چنین رسیدگی‌هایی کفایت می‌کند(Strong, 2013, p. 153). همچنین، ویژگی ترافعی بودن به معنای حل‌وفصل اختلاف توسط یک تصمیم‌گیرنده غیردولتی و بی‌طرف در قالبی منصفانه با اعطای حق دفاع به طرفین، در داوری گروهی کاملاً محقق است (Strong, 2012a, p. 245; Born, 2021, p. 335)؛ بنابراین، این نهاد از منظر ارکان اساسی، ماهیت متمایزی نسبت به داوری‌های معمول ندارد.

---

[18] Bazzle
[19] Green Tree
[20] Green Tree Financial Corp. v. Bazzle, 2003, pp. 451-454.
[21] American Arbitration Association (AAA)
[22] Judicial Arbitration and Mediation Services (JAMS)
[23] Primary Consent
[24] Secondary Consent

[۲۵] به‌عنوان نمونه، بنگرید به:

Stolt-Nielsen v. Animal Feeds Int'l Corp., 559 U.S. 662, (2010).

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

از سوی دیگر، الزامات ساختاری داوری گروهی شامل مداخلات قضایی، صلاحیت دیوان داوری و اقامه دعوا به نمایندگی نیز تغییر بنیادینی در ماهیت داوری آن ایجاد نمی‌کنند. اگرچه مدل منسوخ «ترکیبی»[۲۶] به دلیل دخالت گسترده محاکم با ذات خصوصی داوری تعارض داشت (Buckner, 2004, p. 301)، اما در رویه مدرن مبتنی بر قواعد سازمان‌های داوری، استقلال داوری به دلیل ابتنا بر توافق پیشینی طرفین تضمین می‌شود. علاوه بر این، تردیدها درباره صلاحیت دیوان داوری در مدیریت دعاوی کلان و پیچیده در پرتو دکترین داوری‌پذیری مردود بوده و تعدد طرفین، صلاحیت داور را مخدوش نمی‌سازد (Brekoulakis, 2009, p. 31). در نهایت، ویژگی اقامه دعوا به نمایندگی نیز، به عنوان وجه تمایز اصلی این نهاد از داوری‌های چندجانبه، ناقض کارکردهای داوری نیست؛ حتی عدم شناسایی آن در برخی نظام‌های حقوقی ملی، صرفاً به تشریفات اجرایی مربوط بوده و مانع از اجرای بنیادین آن نمی‌شود (Born, 2021, 2584)؛ در نتیجه داوری گروهی همچنان ماهیت اصیل خود را به‌عنوان یک روش داوری حفظ می‌کند.

۴,۱. ارزیابی

داوری گروهی به‌عنوان نهادی نوین در عرصه حل‌وفصل اختلافات، همواره با دیدگاه‌های موافق و مخالف متعددی مواجه بوده است. از این رو، در ادامه به واکاوی مزایا و معایب آن پرداخته می‌شود.

۱,۴,۱. مزایا

۱,۱,۴,۱. افزایش کارآمدی

تجمیع مطالبات متعدد در داوری گروهی، مانع از ایجاد رسیدگی‌های موازی شده و بار مالی حل‌وفصل اختلافات را به میزان قابل‌توجهی تعدیل می‌کند(Blavi & Vial, 2016, p. 796). به طور سنتی، داوری انفرادی بیشتر منافع شرکت‌هایی را تأمین می‌کند که قراردادهای الحاقی را به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کنند. با پیدایش داوری گروهی، حق‌الزحمه‌های هنگفت داوران میان اعضای گروه سرشکن شده و این نهاد به ابزاری کارآمد برای اشخاص عادی در برابر نهادهای قدرتمند اقتصادی تبدیل می‌گردد (Engel & Tropin, 2009, p. 150). علاوه بر این، از یک سو تجمیع دعاوی موجب هم‌افزایی منابع مالی و ادله دادرسی می‌شود و از سوی دیگر با تقویت موضع چانه‌زنی خواهان‌ها و افزایش ریسک محکومیت برای خوانده، اهرم فشار کارآمدتری جهت ترغیب به مصالحه و فصل خصومت ایجاد می‌کند(Sherman, 2002, p. 401) .

بنابراین حل‌وفصل گروهی اختلافات واجد منافع دوجانبه برای اصحاب دعوا است. به‌گونه‌ای که دعاوی گروهی از یک طرف برای خواهان‌ها، موجب تجمیع ادعاهای انفرادی و اشتراک منابع مالی در قالب رسیدگی واحد می‌گردد (Marcus et al., 2010, pp. 224-225). از طرف دیگر راجع به خواندگان با اتخاذ تصمیم ضمن یک رسیدگی، مخاطرات ناشی از تعدد دعاوی انفرادی آتی و تشتت آراء را مرتفع می‌سازد(Marcus et al., 2010, p. 782).

---

[26] Hybrid Method

منظور روشی است که طی آن دادگاه صلاحیت‌های گسترده‌ای نظیر تایید گروه، ابلاغ به اعضا و نظارت بر منصفانه بودن رأی نهایی را جهت صیانت از اعضای غایب بر عهده می‌گرفت.

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه ویراستاری‌نشده | Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

۲،۱،۴،۱. دسترسی به عدالت در دعاوی خرد

افزایش هزینه‌های داوری می‌تواند به‌عنوان یکی از موانع اساسی دسترسی به راهکارهای منصفانه حل‌وفصل اختلاف مطرح شود؛ مانعی که آثار آن، به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و طرف‌هایی که از موقعیت اقتصادی و قراردادی ضعیف‌تری برخوردارند، محسوس‌تر است (نیکبخت و احمدی، ۱٤۰۵: ۳۸٤). شرکت‌های تجاری معمولاً با استفاده از موضع برتر چانه‌زنی خود، اشخاص را ملزم به امضای قراردادهایی با شرط داوری انفرادی می‌کنند. این امر، امکان جبران خسارت در دعاوی با «ارزش منفی»[۲۷] را به دلیل فزونی چشمگیر هزینه‌های دادرسی بر ارزش خواسته، عملاً مسدود می‌سازد(Hamielec, 2018, p. 1244). از آنجا که این اشخاص غالباً از نقض حقوق خود ناآگاهند یا پیگیری انفرادی برایشان توجیه اقتصادی ندارد، داوری گروهی با گردآوری آن‌ها در یک گروه منسجم و اطلاع‌رسانی مناسب، بستری فراهم می‌سازد تا افراد به اقامه دعاوی ترغیب شوند و حقوق پایمال‌شده آن‌ها احقاق گردد (Sternlight, 2002, p. 19).

۲،۴،۱. معایب

۱،۲،۴،۱. نقض محرمانگی

از دیرباز «محرمانه بودن»[۲۸] تشریفات داوری، یکی از مزایای مهم آن تلقی شده است. در داوری گروهی به دلیل حضور اشخاص متعدد، دسترسی اشخاص ثالث به اطلاعات به یک چالش تبدیل می‌شود. اگرچه این چالش تا حدودی بزرگ‌نمایی شده است، زیرا اعضای گروه با امضای قراردادهای مشابه، ملزم به حفظ حریم خصوصی هستند؛ اما الزاماتی مانند ابلاغ فرایند به اعضای بالقوه در ابتدای رسیدگی یا نیاز به اطلاع‌رسانی عمومی نتایج جهت بازدارندگی، در تقابل با اصل محرمانگی قرار می‌گیرد. نیاز به افشای اطلاعات اولیه در شیوه خروج محور در بالاترین حد خود قرار دارد. بنابراین کارآمدی و پویایی داوری گروهی مستلزم انعطاف‌پذیری و عدول از اجرای سخت‌گیرانه اصل محرمانگی است؛ با این حال این امر مانعی برای توسعه و بسط داوری نخواهد بود (Strong, 2010, 514).

علاوه بر این، رویه قضایی نیز نشان می‌دهند که در موقعیت‌هایی که منافع عمومی در خطر باشد، می‌توان بر اصول حریم خصوصی و محرمانه‌بودن فائق آمد. به عنوان نمونه دیوان عالی ایالات متحده در پرونده‌ای مقرر داشته است: « ... حریم خصوصی و محرمانگی که در بسیاری از داوری‌های دوطرفه جاری است، در داوری‌های گروهی اعمال نخواهد شد.»[۲۹]

---

[۲۷] منظور دعاوی‌ای است که هزینه دادرسی آن‌ها بیش‌تر از ارزش خود خواسته است.

[28] Confidentiality

[29] Stolt-Nielsen v. Animal Feeds Int'l Corp., 2010, p. 686.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

۲،۲،۴،۱. سوء استفاده‌های احتمالی توسط خواهان‌ها

تجمیع ادعاهای تعداد کثیری از خواهان‌ها، ضمن مواجه ساختن خواندگان با خطر شکست سنگین، ورشکستگی و آسیب جدی به اعتبار تجاری، احتمال بروز خطا در تصمیم‌گیری را به سطح غیرقابل‌قبولی افزایش می‌دهد. این فشار شدید ممکن است به عنوان شیوه‌ای برای باج‌خواهی عمل کند؛ به نحوی که خواندگان «برای مقابله با خسارت هنگفت ولو با احتمال کم، تحت فشار قرار گیرند تا به مصالحه در خصوص دعاوی واهی و بی‌اساس تن دردهند.»[۳۰] با این وجود، شواهد حاکی از آن است که اکثر دعاوی گروهی بی‌پایه نیستند. راهکار درست، اصلاح فرایندها و پیش‌فرض‌هاست، نه کنار گذاشتن کلی این نهاد (Burch, 2008, p.85). در نهایت، به نظر می‌رسد مزایایی که داوری گروهی می‌تواند به توسعه داوری بین‌المللی ارائه دهد، بر هرگونه مخاطره‌ی احتمالی چیره خواهد شد؛ از این رو، در صورت اجرا تحت یک فرآیند مناسب، امری مطلوب خواهد بود.

۵،۱. مرزبندی با مفاهیم مشابه

برای روشن‌ترشدن مفهوم داوری گروهی، تمایز آن با مفاهیم مشابهی نظیر «داوری چندجانبه»[۳۱] و «ادغام جریان‌های داوری»[۳۲] ضروری است.[۳۳] شایان ذکر است داوری چندجانبه در معنای عام خود از حیث درگیر بودن اشخاص متعدد شامل داوری گروهی نیز می‌شود. وجه اشتراک بنیادین هر سه سازوکار، عبور از الگوی سنتی داوری‌های دوجانبه و تلاش برای پاسخگویی به اقتضائات ناشی از تعدد اشخاص و تکثر اختلافات مرتبط است. در واقع، هر سه سازوکار با هدف مشترک مدیریت بهینه اختلافات، تمرکز رسیدگی، صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های دادرسی و به‌ویژه پیشگیری از صدور آرای متعارض پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. با وجود این همگرایی در اهداف کلی، تفاوت‌هایی میان این مفاهیم وجود دارد که در ادامه تشریح می‌گردد.

تعاریف متعددی از داوری چندجانبه در منابع حقوقی ذکر شده است. بر اساس یکی از این تعاریف، داوری چندجانبه عبارت از داوری‌ای است که به اختلافی با حضور بیش از دو طرف رسیدگی می‌کند(Caprasse, 2006, p. 197). نخستین تفاوت بارز میان داوری گروهی و داوری چندجانبه، در گستره خواسته و تعداد شرکت‌کنندگان نهفته است؛ داوری چندجانبه معمولاً شامل تعداد محدودی از اشخاص است، در حالی که داوری گروهی اختلافات تعداد کثیری را حل‌وفصل می‌کند (Strong, 2012a, p. 212). تفاوت دوم به ماهیت اقامه دعوا بازمی‌گردد؛ برخلاف داوری چندجانبه که در آن هر شخص اصالتاً برای احقاق حقوق خود طرح دعوا می‌کند، پایه‌ی داوری گروهی بر نمایندگی استوار است. در این حالت، خواهان‌ها نه‌تنها حقوق خود، بلکه حقوق اعضای غایب و نامعین گروه را نیز مطالبه می‌کنند. اعضای غایب، با وجود برخورداری از مزایای دادرسی، کنترل مستقلی بر نحوه هدایت پرونده ندارند(Strong, 2012a, pp. 213-214). علاوه بر این، در زمینه انتخاب داوران نیز تفاوت‌هایی وجود دارد؛ حق طرفین برای داشتن داور منتخب خود همواره از حقوق بنیادین اطراف داوری به‌شمار می‌آید. در داوری گروهی، با وجود مشخص شدن دیرهنگام هویت

---

[30] AT&T Mobility LLC v. Concepcion, 2011, p. 350.

[31] Multi-Party Arbitration

[32] Consolidation

[۳۳] لازم بخ توضیح است که مفهوم داوری گروهی را نباید با داوری انبوه (Mass Arbitration) خلط کرد. این شیوهٔ داوری از قلمرو موضوعی پژوهش حاضر خارج بوده و به دلیل وسعت مباحث آن، در نوشتار مستقلی بحث خواهد شد.

بسیاری از اعضای گروه، مکانیزم اعلام رضایت اعضای غایب برای پیوستن به گروه، از بروز چالش‌های رایج در داوری‌های چندجانبه (که معمولاً نهاد بی‌طرف کل دیوان را در صورت عدم توافق منصوب می‌کند) جلوگیری می‌نماید(Strong, 2012a, p. 233).

تفاوت دیگر، در اهداف غایی این نهادها است؛ در حالی که داوری چندجانبه صرفاً بر تحقق «اصل حاکمیت اراده»[۳۴] و ایجاد «کارایی»[۳۵] متمرکز است (Kaufmann-Kohler, 2003, pp. 1321-1322; Rau, 2008, p. 244; Reuben, 2009, p. 1106)، داوری گروهی علاوه بر کارایی، اهداف کلان‌تری همچون تضمین دسترسی به عدالت برای دعاوی خرد و ایجاد بازدارندگی قانونی در برابر رفتارهای پرخطر شرکت‌های بزرگ را نیز دنبال می‌کند که واجد جنبه‌های حمایت از منافع عمومی است (Weston, 2012, p. 1726; Hanessian & Chinn, 2009, p. 407; Kalven & Rosenfield, 1941, p. 686).

در عصر جهانی‌شدن تجارت، اختلافات چندجانبه و پیوستگی قراردادها با یکدیگر، مسئله‌ی هم‌پوشانی و تداخل در داوری اختلافات را به همراه می‌آورد. ادغام جریان‌های داوری به معنای تجمیع و یکپارچه‌سازی فرآیندهای داوری مجزای درحال جریان یا در شرف آغاز در قالب رسیدگی واحد است. به بیان دیگر، ادغام جریان‌های داوری سازوکاری شکلی است که امکان می‌دهد دو یا چند اختلاف در قالب رسیدگی واحد که مربوط به تمامی طرف‌ها و اختلافات مرتبط است، یکپارچه گردند (Pair, 2026). این نهاد که می‌تواند به صورت «اختیاری»[۳۶] یا «اجباری»،[۳۷] «کلی»[۳۸] یا «جزئی»[۳۹] و «درون سازمانی»[۴۰] یا «برون‌سازمان»[۴۱] صورت پذیرد(شعاریان و رام، ۱۴۰۱: ۶۱۱-۶۰۸)، نیازمند شرایطی اساسی نظیر رضایت طرفین، وحدت موافقت‌نامه داوری و یا وحدت منشأ حقوقی اختلافات است (Crivellaro, 2005, p. 374). از آنجا که ادغام جریان‌های داوری در عمل یک شیوه شکلی برای مدیریت و حل‌وفصل اختلافات در داوری‌های چندجانبه است، تفاوت‌های آن با داوری گروهی، بر همان وجوه افتراق برشمرده میان داوری گروهی و داوری چندجانبه استوار است. به منظور پرهیز از اطاله کلام از طرح دوباره مطالب اجتناب و به همین مقدار بسنده می‌شود.

۲. تشریفات و فرجام داوری گروهی

۱،۲. رویکرد موافقت‌نامه داوری در قبال داوری گروهی

موافقت‌نامه داوری نقشی تعیین‌کننده در امکان‌سنجی برگزاری رسیدگی‌های گروهی ایفا می‌کند. بر این اساس، وضعیت موافقت‌نامه‌ها از حیث صراحت یا ابهام در قبال داوری گروهی، در دو قالب کلی قابل بررسی است.

Accepted | Awaiting Publication | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده

[34] Party Autonomy Principle
[35] Efficiency
[36] Arbitrary Consolidation
[37] Compulsory Consolidation
[38] Overall or Total or in Full Consolidation
[39] Partial Consolidation
[40] Intra-Institutional Consolidation
[41] Cross-Institutional Consolidation

۱،۱،۲. صراحت موافقت‌نامه داوری

موافقت‌نامه داوری ممکن است به‌طور صریح اجازه برگزاری داوری به صورت گروهی را صادر کرده باشد. به بیان دیگر ممکن است طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری گروهی در موافقت‌نامه داوری یا سند جداگانه‌ای به صورت صریح توافق کرده باشند. در این صورت لزوم احترام به اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که به این توافق جامه‌ی عمل پوشیده شود. این رویکرد در حقوق آلمان (Strong, 2011; Heuberger, 2024, pp. 279-289) و اسپانیا (Strong, 2013b) مورد استفاده قرارگرفته است.

موافقت‌نامه داوری ممکن است نه‌تنها اجازه برگزاری داوری به صورت گروهی را نداده بلکه آن را ممنوع اعلام کرده باشد. بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی پس از رای پرونده «بازل»، اقداماتی را از جمله با گنجاندن شرط «اسقاط حق طرح دعوای گروهی»[۴۲] در قراردادهای خود، برای اجتناب از داوری گروهی آغاز کردند. هدف از این کار، اطمینان از این موضوع بود که موافقت‌نامه‌های داوری تنها به گونه‌ای تفسیر شوند که داوری‌های انفرادی را الزام‌آور کنند. به بیان دیگر هدف از این کار انسداد درهای داوری گروهی برای خواهان‌های متعدد و محرومیت از مزایای آن بود. برای نخستین بار در واکنش به درج این شروط، دادگاه تجدیدنظر ایالت کالیفرنیا در پرونده‌ای[۴۳] با استناد به دکترین «غیرمنصفانه بودن»[۴۴] این شرط را باطل اعلام کرد. البته سرنوست این شروط به این رای محدود نشد. همین رای بعداً نیز محل جدال رویه قضایی و دکترین بوده است. اعتبار و تاثیر این شروط و آرای صادره در مورد آن‌ها از قلمرو پژوهش حاضر خارج است و خود نوشتار مستقلی می‌طلبد.

۲،۱،۲. نارسایی موافقت‌نامه داوری

بسیاری از موافقت‌نامه‌های داوری در زمان انعقاد، بنابه دلایل گوناگون از جمله پیش‌بینی‌ناپذیری گستره‌ی اختلافات آتی، نسبت به مقوله داوری گروهی ساکت هستند یا با شروطی مبهم و چندپهلو تنظیم شده‌اند. این نارسایی قراردادی، دیوان‌های داوری را در مقام احراز صلاحیت با چالش مواجه می‌سازد. این پرسش مطرح می‌شود که آیا دیوان می‌تواند رضایت ضمنی را مبنایی برای داوری گروهی در نظر گیرد؟ یا طرفین در این مورد باید اراده خود را به صراحت بیان کرده باشند؟ دیوان برای برون رفت از این وضعیت سرگشته چه راهکاری را پیش‌رو دارد؟ رفع این نارسایی صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد. خواندگان بر لزوم احراز رضایت صریح تأکید دارند تا با تقلیل دعاوی به رسیدگی‌های انفرادی، که فاقد توجیه اقتصادی برای خواهان‌ها است، دامنه مسئولیت خود را کاهش دهند یا حتی از بین ببرند (Strong, 2017, p. 3). در مقابل، از منظر خواهان‌ها، پذیرش رضایت ضمنی یک ضرورت حقوقی و عملی است تا از دستکاری روند حل‌وفصل اختلافات توسط طرف‌های دارای قدرت چانه‌زنی برتر جلوگیری شود(Blomgren Bingham et al., 2009, p. 5).

---

[42] Class Action Waiver Clause
[43] Szetela v. Discover Bank, 2002.
[44] Unconscionability Doctrine

۱،۲،۱،۲. سکوت موافقت‌نامه و نقش تفسیر در تعیین صلاحیت

در مواردی که توافق طرفین سکوت اختیار کرده و هیچ‌گونه مقرره مبنی‌بر جواز یا منع داوری گروهی یافت نشود، محل اختلاف نظر است. برخی از دادگاه‌ها[۴۵] از پذیرش داوری گروهی در چنین شرایطی امتناع می‌ورزند و برخی دیگر آن را مجاز دانسته‌اند.[۴۶]

بررسی رویه قضایی، به‌ویژه آرای دیوان عالی ایالات متحده، ابعاد این چالش حقوقی را روشن می‌سازد. در پرونده «استلت–نلسن»،[۴۷] دیوان عالی مقرر داشت که در صورت فقدان مبنای قراردادی و تصریح طرفین بر عدم توافق پیرامون داوری گروهی، نمی‌توان هیچ‌یک از اصحاب دعوا را به پذیرش آن ملزم ساخت؛[۴۸] تصمیمی که از سوی برخی مفسران (Menkel-Meadow, 2011, p 263; Stipanovich, 2012, p. 395; Weston, 2012, p. 110) و دادگاه‌های تالی[۴۹] به ضرورت وجود رضایت صریح تعبیر شد. با این وجود، اکثریت دادگاه‌های ایالات متحده داوری گروهی را براساس رضایت ضمنی مورد حمایت قراردادند. با این حال، دیوان عالی در رای متعاقب خود در پرونده «آکسفورد»[۵۰] با تأیید تصمیمات دادگاه‌های تالی، تشخیص داور مبنی بر مناسب بودن داوری گروهی را استوار ساخت. همچنین با اشاره به اینکه در پرونده «استلت–نلسن»، داوران با تحمیل داوری گروهی علی‌رغم توافق طرفین مبنی بر سکوت موافقتنامه راجع به داوری گروهی از حدود اختیارات خود خارج شده بودند، با پرونده حاضر طرفین که اختیار تفسیر موافقت‌نامه را به داور اعطا کرده‌اند، تمایز قائل شد و نتیجه گرفت همین توافق طرفین، تفسیر داور را موجه می‌سازد.[۵۱]

با وجود شباهت‌های موجود میان دو پرونده مورد بحث، دیوان عالی به نتایج تقریباً متضادی دسته یافته است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از رویکرد خود در پرونده «استلت–نلسن» برگشته و نظر جدیدی را اتخاذ کرده است. اما پاره‌ای از نویسندگان معتقدند که رای اخیر تغییر رویکرد دیوان عالی نسبت به داوری گروهی نبوده و نتایج متفاوت این آرا بریک نقطه شکلی استوار است. بدین نحو که در پرونده نخست، اصحاب دعوا صراحتاً بر فقدان هرگونه توافق پیرامون داوری گروهی تأکید ورزیده بودند، حال آنکه در پرونده دوم چنین اعلامی وجود ندارد؛ همین تفاوت بنیادین، مبنای حقوقی دادگاه در اتخاذ تصمیمات متفاوت بوده است (Howes & Banks, 2013, p. 732).

دیوان‌های داوری برای احراز رضایت ضمنی در فرض سکوت، به اصول تفسیر قراردادها متوسل می‌شوند. در این فرایند، مرجع رسیدگی‌کننده با بررسی گستره عبارات توافق‌نامه، اوضاع و احوال حاکم و اراده غالب طرفین بر حل‌وفصل اختلافات در خارج از دادگاه، به دنبال کشف مقاصد مشترک اصحاب دعوا است. افزون بر این، انتخاب مجموعه‌ای از قواعد داوری سازمانی یا قوانین ملی که دادرسی گروهی را مجاز می‌شمارند، می‌تواند قرینه‌ای معتبر برای استنباط رضایت ضمنی طرفین محسوب گردد (Strong, 2009, pp. 1061-1062).

---

[45] Dominium Austin Partners, L.L.C. v. Emerson, 2001, pp. 728-729; Johnson v. W. Suburban Bank, 2000, p. 373; Deiulemar Compagnia di Navigazione Spa v. M/V Allegra, 1999, p. 482.
[46] Blue Cross of Cal. v. Superior Court of L.A. County, 1998, p. 60.
[47] Stolt-Nielsen
[48] Stolt-Nielsen S.A. v. Animal Feeds Int'l Corp., 2010, p. 684.
[49] In re Am. Expres Merchs. Litig., 2012, p. 219; Sanders v. Forex Capital Mkts., LLC, 2011, p. 10.
[50] Oxford
[51] Oxford Health Plans LLC v. Sutter, 2013, p. 2066.

۲،۲،۱،۲. ابهام موافقت‌نامه و راهکارهای رفع آن

برخلاف فرض سکوت، ابهام زمانی محقق می‌شود که متن موافقت‌نامه حاوی عباراتی مجمل و چندپهلو باشد که تسری آن به رسیدگی‌های گروهی را نیازمند تفسیر می‌سازد. از آنجا که موافقت‌نامه‌های داوری ماهیتی قراردادی دارند، محاکم و دیوان‌ها مکلفند قواعد عام تفسیر قراردادها را برای رفع اجمال از آن‌ها به کار گیرند.[۵۲] در این راستا، برخی نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته با اتخاذ رویکردی موسع، اصولی را تدوین کرده‌اند تا از بی‌اثر شدن توافقات داوری در نتیجه اشتباهات نگارشی جلوگیری نمایند (Born, 2021, pp. 2211-2212).

نخستین شیوه برای تفسیر موافقت‌نامه داوری، اعمال قاعده «تفسیر مضیق»[۵۳] است. طرفداران این رویکرد بر این باورند که در غیاب رضایت صریح و روشن طرفین، نمی‌توان به داوری گروهی متوسل شد. در چنین مواقعی موضع پیش‌فرض، داوری دوجانبه است(Strong, 2013a, pp. 173-174). در مقابل مخالفان، این دیدگاه را به دلیل تلقی داوری به عنوان یک روش استثنایی، مخدوش و فاقد مبنای مستحکم ارزیابی می‌کنند(Fouchard et al., 1999, p. 260).

یکی دیگر از اصول تفسیری پذیرفته‌شده، اصل «تفسیر مبتنی بر حسن نیت»[۵۴] است. در واقع، این قاعده تفسیری بدان معناست، در مواردی که قصد واقعی یک طرف با قصد اعلام‌شده‌ی او یکسان نباشد، قصد واقعی باید ارجحیت داشته باشد. بر اساس این اصل، مفسر باید موافقت‌نامه را به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته و اوضاع و احوال حاکم و رفتارهای متعاقب طرفین را برای کشف اراده واقعی آن‌ها لحاظ کند(Fouchard et al., 1999, pp. 257-258).

علاوه بر موارد فوق، دو قاعده تفسیری دیگر نیز در رفع ابهام از شروط داوری نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. نخست، قاعده «تفسیر به زیان تنظیم‌کننده»[۵۵] است که غالباً در قراردادهای الحاقی و به عنوان آخرین راهکار تفسیری، جهت حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد اعمال می‌گردد(Born, 2021, p. 2217).[۵۶] دوم، قاعده «تفسیر کارآمد»[۵۷] است که مقرر می‌دارد در صورت بروز تردید، باید معنایی برگزیده شود که به عبارات قرارداد اثر و کارایی می‌بخشد(Fouchard et al., 1999, pp. 258-259). به‌کارگیری این اصل می‌تواند در راستای تحقق مزیت بنیادین داوری گروهی، یعنی کارآمدی در مدیریت اختلافات، بسیار راهگشا باشد.

۳،۲. شناسایی و اجرای آراء داوری گروهی

[52] Mastrobuono v. Shearson Lehman Hutton, Inc., 1995, p. 62; Internaves de Mexico SA de CV v. Andromeda S.S. Corp., 2018, p. 1092; Gove v. Career Sys. Dev. Corp., 2012, pp. 4-5; Fleetwood Enters. Inc. v. Gaskamp, 2002, p. 1073; EEOC v. Frank's Nursery & Crafts, Inc., 1999, p. 460; Haviland v. Goldman, Sachs & Co., 1990, p. 509.
[53] Strict Interpretation
[54] Interpretation in Good Faith
[55] Contra Proferentem
[56] Shaw Group Inc. v. Triplefine Int'l Corp., 2003, p. 121; PaineWebber Inc. v. Bybyk., 1996, p. 1199.
[57] Effective Interpretation

پذیرفته شده در انتظار انتشار | نسخه ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

داور پس از پذیرش داوری، به موجب قانون مکلف به رسیدگی به اختلاف و صدور رأی است. طرفین نیز پذیرفته‌اند مفاد رأی داوری را به‌صورت داوطلبانه اجرا کنند. با وجود این، چنانچه محکوم‌علیه از اجرای رأی امتناع ورزد، محکوم‌له می‌تواند با مراجعه به دادگاه صالح، اجرای اجباری آن را درخواست کند (نیکبخت و علی‌دادی ده کهنه، ۱٤۰٤: ۳۳۷). فقدان اطمینان نسبت به قابلیت اجرای رأی، در فرض استنکاف محکوم‌علیه از اجرای ارادی آن، رأی داوری را به دستاوردی تشریفاتی و فاقد ارزش عملی تقلیل می‌دهد. در مقابل، پیش‌بینی سازوکارهای کارآمد و ضمانت‌اجراهای مؤثر جهت اجرای آرای داوری، نه‌تنها موجب ترغیب اشخاص به بهره‌مندی از این نهاد و توسعه کاربرد آن می‌گردد، بلکه در بسیاری از موارد، محکوم‌علیه را به اجرای داوطلبانه رأی مجاب می‌سازد (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۵). در این میان داوری گروهی از این قاعده مستثنی نبوده و شناسایی و اجرای آرای صادره از آن دارای اهمیت وافر است.

۱،۳،۲. آراء صادره در داوری ملی

همسو با «عهدنامه راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی»[۵۸] (که از این پس عهدنامه نیویورک نامیده می‌شود)، غالب قوانین ملی که عمدتاً از «قانون نمونه آنسیترال راجع به داوری تجاری بین‌المللی»[۵۹] اقتباس شده‌اند، اصل را بر اعتبار آرای داوری نهاده و اجرای آن‌ها را تکلیفی الزامی می‌دانند؛ مگر آنکه محکوم‌علیه تحقق یکی از جهات ابطال را اثبات نماید. مواد ۳۵ و ۳٦ قانون نمونه آنسیترال مقرر می‌دارند که آرای داوری بین‌المللی باید شناسایی شوند، مگر در مواردی که استثنائات مشخص و حصری اعمال گردند. استثنائات مقرر در ماده ۳٦ تقریباً به‌طور کامل از استثنائات ماده ۵ عهدنامه نیویورک تبعیت می‌کنند و تنها دارای تغییرات نگارشی جزئی هستند (Born, 2021, p. 5825). با توجه به گرایش فزاینده نظام‌های ملی به همگام‌سازی جهات ابطال داخلی با موانع اجرایی عهدنامه نیویورک و تقلیل افتراق‌ها و به منظور اجتناب از اطاله کلام و تبیین بهتر موضوع در قسمت آتی شناسایی و اجرای آرای داوری گروهی تحت نظام عهدنامه نیویورک مورد مداقه قرار می‌گیرد تا از این طریق نیز موضع قوانین ملی شبیه به آن روشن گردد.

۲،۳،۲. آراء صادره در داوری بین‌المللی

عهدنامه نیویورک با برخورداری از دو ویژگی برجسته، یعنی تسهیل فرآیند اجرای آرای داوری و یکنواخت‌سازی قواعد ملی ناظر بر اجرای آرای خارجی، جایگاهی بی‌بدیل در عرصه جهانی یافته و موجب اقبال گسترده به نهاد داوری شده است (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۲۰). نخستین پرسشی که در این مقام متبادر می‌گردد، ناظر بر قابلیت شناسایی و اجرای آرای صادره از داوری‌های گروهی در پرتو عهدنامه نیویورک است؛ بدین معنا که آیا این دسته از آرا ظرفیت قرارگیری تحت چتر حمایتی این سند بین‌المللی را دارا هستند؟ در ابتدای امر ممکن است از یک سو گفته شود که داوری گروهی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، داوری در معنی دقیق کلمه محسوب نشده و از سوی دیگر به حق شرط مذکور در بند سوم ماده یک (حق شرط اختلافات مربوط به روابط تجاری) استناد

[58] Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 1958)
[59] UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration (1985, Amended in 2006)

پذیرفته‌شده در انتظار انتشار | نسخه ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Unedited
Draft Version

شده و در نتیجه آراء صادره در آن از شمول عهدنامه نیویورک خارج شود. اما چنانچه مورد اشاره قرار گرفت، هرچند داوری گروهی از برخی جهات با داوری‌های معمول تفاوت دارد اما این تفاوت‌ها هرگز منجر به تغییر ماهیت داوری گروهی نشده است. همچنین با عنایت به تعاریف موسع ارایه شده در خصوص تجاری بودن[۶۰] و طیف وسیعی از اختلافاتی که مسلماً تجاری بوده و از طریق داوری گروهی حل‌وفصل می‌شود، بلاوجه بودن استدلال‌های ارائه شده را روشن می‌سازد. بر این اساس، با پذیرش قابلیت اعمال عهدنامه نیویورک بر این آرا، محتمل است که محکوم‌علیه در مقام مانع‌تراشی برای اجرای رأی، به استثنائات مقرر در ماده ۵ عهدنامه متوسل گردد. از این‌رو، ضرورت دارد تا محتمل‌ترین ایرادات مطروحه در این زمینه به‌طور مجزا مورد مداقه قرار گیرد.

۱،۲،۳،۲. نقض اصول اساسی رسیدگی

ماده (۱)(ب)۵ عهدنامه نیویورک، با تأکید بر لزوم رعایت اصول بنیادین دادرسی منصفانه، مقرر می‌دارد که عدم ابلاغ مناسب یا ناتوانی در ارائه دفاعیات، از جهات قانونی برای امتناع از اجرای آرای داوری محسوب می‌شود. در چارچوب داوری گروهی، عدم ابلاغ مناسب ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. برخلاف داوری‌های معمول که ایراد ابلاغ عمدتاً از سوی خوانده مطرح می‌گردد، در رسیدگی‌های گروهی، اعضای غایب یا نامعین گروه خواهان‌ها ممکن است به دلیل عدم دریافت اخطاریه، با اجرای رأی به نفع خوانده مخالفت ورزند. از سوی دیگر، خواندگان نیز با وجود صراحت عهدنامه که از ابلاغ به «طرفی که رأی علیه او به آن استناد شده» سخن می‌گوید، ممکن است به نقص ابلاغ به برخی اعضای گروه خواهان‌ها استناد کنند، تا از اجرای رأی استنکاف کنند. برهمین اساس بخواهند از خطر مواجهه با دعاوی آتی و جبران خسارت مضاعف، به دلیل عدم شمول اعتبار امر مختومه نسبت به اعضای غایب مصون بمانند(Strong, 2010, p. 536). با این وجود، این چالش‌ها نباید مانعی برای توسعه داوری گروهی تلقی شوند؛ چرا که در الگوی ورودمحور و همچنین در آرای واجد جنبه اعلامی، دغدغه فقدان ابلاغ صحیح و دعاوی مجدد به دلیل یکسان بودن برای خواهان‌ها اساساً منتفی است (Strong, 2010, p. 537). نگرانی اصلی معطوف به الگوی خروج‌محور، به‌ویژه در فرض ختم دعوا به سازش است که حقوق سایر اعضای غایب را متأثر می‌سازد. برای رفع این مانع، الگوبرداری از رویکردهای کارآمدی نظیر نظام حقوقی هلند، که ارسال دو ابلاغیه مجزا در آغاز رسیدگی و هنگام سازش را برای ایجاد اطمینان از صحت ابلاغ الزامی می‌داند، جهت دفع موانع شناسایی و اجرا بسیار راهگشا خواهد بود (Tzankova & Scheurleer, 2009, p. 154).

بخش دوم ماده یادشده، به جهت «ناتوانی در ارائه دفاعیات» می‌پردازد که مصادیقی نظیر محرومیت از کشف و ارائه ادله یا اظهارنظر نسبت به نظریه کارشناسی را در بر می‌گیرد. در این زمینه، اعطای فرصت دفاع از سوی دیوان کفایت می‌کند و استفاده یا عدم استفاده از آن تأثیری بر قابلیت اجرای رأی ندارد. ضرورت دارد که این ایرادات به‌موقع و در جریان داوری مطرح شوند، در غیر این صورت، حق استناد به آن‌ها در مرحله اجرا در برابر دادگاه ساقط می‌گردد(Lew et al., 2003, p. 173). مفهوم ناتوانی در دفاع، با معیارهای عینی سنجیده می‌شود و سلب حق انتخاب وکیل از مصادیق آن است(Kurkela et al., 2010, pp, 38-39). در پاسخ به این دغدغه‌ها، قواعد مؤسساتی نظیر انجمن داوری آمریکا با تضمین حق داشتن وکیل اختصاصی برای اعضای نامعین، فراهم آوردن امکان حضور تمامی طرفین در جلسات و مکلف ساختن داور به احراز منصفانه و معقول بودن شرایط هرگونه سازش، تدابیر مؤثری

---

[۶۰] به‌عنوان نمونه برخی از حقوقدانان واژه «تجاری» را شامل طیف گسترده‌ای از دعاوی ناشی از تجارت بین‌الملل، امور مالی، سرمایه‌گذاری و معاملات اقتصادی مرتبط می‌دانند، بدون آنکه موضوعات خاصی نظیر فناوری، مالکیت فکری، منابع طبیعی، روابط استخدامی یا سایر حوزه‌های مقررات‌گذاری‌شده را مستثنی سازند(Born, 2021, p. 378).

را جهت صیانت از دادرسی منصفانه اتخاذ نموده‌اند (Strong, 2008, p. 63; AAA Supplementary Rules for Class Arbitrations (Effective October 8, 2003), Rule 9.).

۲,۲,۳,۲. عدم رعایت ترکیب یا آیین داوری

بند (د)(۱) ماده ۵ عهدنامه نیویورک، یکی از جهات امتناع از شناسایی و اجرای آرای داوری را عدم تطابق ترکیب دیوان داوری یا آیین رسیدگی با توافقات طرفین اختلاف و در صورت فقدان توافق، مغایرت آن با قوانین مقر داوری می‌داند. در این چارچوب، مرجع رسیدگی‌کننده مکلف است با رعایت اصول بنیادین دادرسی منصفانه و تأکید بر تقدم حاکمیت اراده طرفین بر قوانین مقر، فرآیند داوری را به‌گونه‌ای هدایت نماید که رای صادره قابلیت اجرایی داشته باشد (نیکبخت، ۱۳۹۰: ۱۶۵). این مقرره که تجلی‌گاه حق بنیادین اشخاص در انتخاب داور است، امروزه در دادرسی‌های چندجانبه و گروهی نیز به طور کامل تثبیت شده است؛ به‌نحوی‌که چالش‌های پیشین در خصوص فرآیند نصب داوران مرتفع گردیده و صرف اتخاذ شیوه دادرسی گروهی، مستمسکی قانونی برای ادعای نقض ترکیب دیوان و مانع‌تراشی در مسیر اجرای رأی محسوب نمی‌گردد.

از دیگر ایرادات مطروحه ذیل بند یادشده، استناد محکوم‌علیه به سکوت یا ابهام موافقت‌نامه داوری، فقدان پیش‌بینی این شیوه از دادرسی در قصد اولیه طرفین و یا خلأ تقنینی در قوانین مقر است. با این وجود، چنین دفاعیاتی امروزه فاقد وجاهت و استحکام لازم برای توقف اجرای رأی ارزیابی می‌شوند. دلیل نخست آن است که با عنایت به مباحثات گسترده در جوامع تجاری و حقوقی بین‌المللی، امکان توسل به داوری گروهی در شرایط مقتضی برای طرفین در سطح جهانی امری کاملاً قابل پیش‌بینی تلقی می‌گردد. افزون بر این، امروزه بسیاری از قواعد سازمان‌های داوری با اعطای اختیارات ویژه به داوران جهت صدور دستور رسیدگی گروهی و یا با توسعه و اصلاح مقررات مربوط به ادغام دعاوی با ادبیاتی عام و فراگیر،[۶۱] بسترهای حقوقی لازم را برای اعمال و پذیرش این آیین را فراهم آورده‌اند (Strong, 2010, p. 529).

۳,۲,۳,۲. داوری ناپذیری موضوع اختلاف

مفهوم «داوری‌پذیری»[۶۲] مندرج در بند (الف)(۲) ماده ۵ عهدنامه نیویورک، به تعیین قلمرو موضوعاتی می‌پردازد که قابلیت حل‌وفصل از طریق نهاد داوری را دارا بوده و از صلاحیت انحصاری محاکم ملی خارج هستند(Wolff et al., 2018, pp. 393-394).

---

[۶۱] به‌عنوان نمونه می‌توان به قواعد داوری دیوان داوری بین‌المللی لندن (LCIA) اشاره کرد که در ماده ۲۲ به داوران اختیار تجمیع رسیدگی‌ها در صورت عدم وجود توافق خلاف طرفین را می‌دهد، همچنین ماده ۱۴ به داوران گسترده‌ترین اختیار صلاحدیدی برای ایفای تعهداتشان را اعطا می‌کند و این تکلیف را بر آنان بار می‌نماید که آیین‌های رسیدگی متناسب با اوضاع و احوال داوری را اتخاذ کنند و از تأخیر یا هزینه‌های غیرضروری اجتناب ورزند، تا بدین ترتیب ابزاری منصفانه و کارآمد برای حل و فصل نهایی اختلاف طرفین فراهم آید. طرفین نیز به طور همزمان مکلفند هر اقدام لازمی را برای پیشبرد منصفانه، کارآمد و سریع داوری انجام دهند. از این مقررات عام می‌توان اختیار داور برای صدور دستور داوری گروهی را استنباط نمود.

برای مطالعه قواعد مشابه، بنگرید به:

Swiss Rules of International Arbitration (in force as from June 2021), Article 7; Arbitration Rules of CEPANI (The Belgian Centre for Arbitration and Mediation) (in force as from 1 January 2023), Article 9-13.

[62] Arbitrability

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Under Review

اگرچه دکترین داوری‌ناپذیری و استثنای «نظم عمومی»[۶۳] (موضوع بند (ب)(۲) ماده ۵) هر دو با هدف غایی صیانت از منافع عمومی دولت‌های متعاهد وضع شده‌اند، اما دارای ماهیتی کاملاً متمایز می‌باشند. استثنای نظم عمومی بر تعارض نتیجه و مفاد رأی صادره با مفاهیم بنیادین عدالت تمرکز دارد، درحالی‌که دکترین داوری‌ناپذیری، ارجاع ماهیت اختلاف به داوری را فارغ از نتیجه رأی، اساساً فاقد اعتبار حقوقی می‌داند(Wolff et al., 2018, pp. 395-396). در رویه قضایی مدرن محاکم دولت‌های متعاهد، با هدف تشویق و توسعه نهاد داوری و مبتنی بر اعتماد روزافزون به کارآمدی این مرجع، دایره شمول استثنای داوری‌ناپذیری مضیق تفسیر شده و محدودیت‌های موضوعی در این زمینه به حداقل ممکن کاهش یافته است (Gaillard & Bermann, 2017, p. 246; Van Den Berg, 1998, p. 1085). بر همین اساس، دعاوی مطروحه در قالب داوری گروهی نیز مشمول این رویکرد مضیق و تسهیل‌گرانه قرار گرفته و مانع اجرایی داوری‌ناپذیری، اصولاً چالش بنیادینی در مسیر شناسایی و اجرای آرای صادره از این نوع رسیدگی‌ها ایجاد نخواهد کرد.

۴,۲,۳,۲. نقض قواعد نظم عمومی

به موجب بند (ب)(۲) ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، محاکم می‌توانند مستقلاً و با استناد به مفهوم نظم عمومی،[۶۴] از شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی امتناع ورزند؛ قاعده‌ای که نقش بسزایی در پذیرش جهانی این عهدنامه ایفا نموده است. با این وجود، از آنجا که تفسیر موسع این مفهوم می‌تواند به مانعی مخرب در مسیر اجرای آرا مبدل گردد، حقوق‌دانان بر ضرورت تفسیر مضیق آن تأکید دارند(Chen & Chen, 2017, pp. 16-17). در این راستا، محاکم در مواجهه با آرای خارجی به جای اتکا به معیارهای گسترده نظم عمومی داخلی، به مفهوم «نظم عمومی بین‌المللی» استناد می‌جویند که صرفاً دربردارنده بنیادین‌ترین هنجارهای نظام حقوقی متبوع مرجع اجرا است. این رویکرد مضیق، ضمن لحاظ نمودن ابعاد بین‌المللی اختلاف، احتمال امتناع از اجرای آرای داوری خارجی را به‌مراتب کاهش می‌دهد(Moses, 2019, pp. 172-173).

در پرتو این مبانی، یکی از ایرادات محتمل در مسیر اجرای آرای داوری گروهی، استناد مرجع اجراکننده به مغایرت این آرا با نظم عمومی به دلیل عدم شناسایی نهاد دعاوی یا داوری گروهی در نظام دادرسی داخلی آن کشور است. با این حال، با توجه به لزوم تفسیر مضیق از نظم عمومی، فقدان پیش‌بینی دادرسی گروهی در حقوق ملی نمی‌تواند مانعی برای قابلیت اجرای بنیادین این آرا تلقی گردد. در واقع، هرچند قوانین ملی ممکن است الزاماتی را در راستای تضمین حق دفاع و صحت تشریفات رسیدگی تحمیل نمایند، اما این الزامات صرفاً ناظر بر نحوه پیاده‌سازی و اجرای آیین داوری گروهی است و اساس اعتبار و قابلیت اجرای این آرا را مخدوش نمی‌سازد(Born, 2021, p. 2584).

۳. نظام داوری ایران

[63] Public Policy

[۶۴] برای مطالعه در خصوص مفهوم نظم عمومی، بنگرید به:
نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۵). محدودیت‌های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین. تحقیقات حقوقی. دوره ۹، شماره٤٤: ۱۳۷-۱۰۹.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

ابعاد گوناگون داوری گروهی مورد بررسی قرار گرفت. اکنون در پی امکان‌سنجی استفاده از این شیوه در نظام داوری ایران هستیم. داوری به‌عنوان یکی از شیوه‌های حل‌وفصل اختلاف همواره تجلی‌گاه اراده طرفین اختلاف بوده است. برهمین اساس چنانچه پیشتر نیز مورد بحث قرارگرفت، اگر طرفین برای حل اختلافات فعلی یا آتی خود به طریق داوری گروهی نظر داشته باشند، می‌بایست این اراده مورد احترام واقع شود. به بیان دیگر چنانچه قصد صریح یا ضمنی طرفین برای فصل خصومت خود بر داوری گروهی تعلق گرفته باشد، مانع تراشی برای عدم برگزاری داوری گروهی برخلاف اصل حاکمیت اراده است. بنابراین در صورت وجود توافق صریح یا ضمنی برای داوری گروهی در حقوق ایران مانند دیگر نظام‌ها که بحث شد، دشواری وجود ندارد. آنچه که دقت وافر می‌طلبد بررسی موارد سکوت و اجمال قصد طرفین می‌باشد.

در نظام داوری ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی با اقتباس از قانون نمونه آنسیترال در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید(نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۵). این قانون علی‌رغم نقاط قوت و نوآوری‌های آن حاوی اشکالات و نارسایی‌هایی است؛ که اغلب از عدول نسنجیده و ناآگاهانه از قانون نمونه منتج شده است(صفائی، ۱۳۷۷: ۹). یکی از نوآوری‌های این قانون به‌رسمیت شناختن اصل «صلاحیت نسبت به صلاحیت»[65] در حوزه داوری است. براساس این اصل که در ماده ۱۶ قانون منعکس شده است، دیوان داوری اختیار دارد در مورد صلاحیت خود تصمیم بگیرد. برخلاف رویه قضایی ایالات متحده که به بررسی جواز داوری گروهی توسط دادگاه‌ها گرایش دارد، در نظام‌های تابع قانون نمونه آنسیترال از جمله ایران با استناد به اصل مذکور، باید این اختیار را برای دیوان داوری به رسمیت شناخت. لازم به توضیح است که صلاحیت داور از موافقت‌نامه داوری ناشی می‌شود و در این میان هر پرسشی را که راجع به موافقت‌نامه داوری به‌وجود آید (Merkin & Flannery, 2014, pp. 101-104)، از جمله اینکه آیا موافقت‌نامه داوری امکان برگزاری داوری گروهی را پیش‌بینی کرده است یا خیر، را باید موضوعی مربوط به صلاحیت دانست و پاسخ به آن را در اختیار داور قرارداد.

بررسی موضع قانون نمونه آنسیترال به‌عنوان ماخذ قانون داوری تجاری بین‌المللی می‌تواند برای پژوهش حاضر راهگشا باشد. بند ۱ ماده ۷ قانون نمونه (معادل بند ج ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی)، موافقت‌نامه داوری را با رویکردی عام، توافقی میان طرفین جهت حل‌وفصل کلیه اختلافات ناشی از «یک رابطه حقوقی معین، اعم از قراردادی یا غیرقراردادی» تعریف می‌نماید. این تعریف موسع، بر اهمیت بنیادین رضایت طرفین جهت ارجاع اختلافات به داوری تأکید دارد؛ رویکردی که با تکلیف مقرر در ماده ۸ قانون یادشده مبنی بر الزام دادگاه‌ها به اجرای توافقات داوری و هدایت طرفین به این مرجع، بیش از پیش تقویت می‌گردد(Bantekas et al., 2020, pp. 145-146). بر پایه این مقررات، یکی از حقوقدانان استدلال می‌کند که به‌منظور تضمین اثربخشی توافق داوری، اعمال سازوکارهایی نظیر ادغام جریان‌های داوری و ورود ثالث نه‌تنها مجاز، بلکه ممکن است ضروری باشد (Born, 2012, p. 284). بنابراین در جهت تضمین کارآمدی توافق داوری، داوری‌های گروهی نیز باید مجاز و قابل پذیرش تلقی گردند.

قانون نمونه در خصوص نوع و ماهیت رضایت لازم برای برگزاری داوری‌های گروهی و دیگر اشکال داوری‌های چندجانبه صراحتی ندارد. در همین راستا، کارگروه تدوین قانون نمونه در جریان مذاکرات مرتبط با ادغام، تصریح نمود که این قانون «نباید به چالش‌های ناشی از ادغام در اختلافات چندجانبه ورود کند» و در نهایت اتخاذ تصمیم در این خصوص را بر عهده اراده آزاد طرفین در انعقاد توافق‌نامه‌های ادغام واگذار نمود(United Nations Commission on International Trade Law, 1982, pp. 9-10). بر این

[65] Competence-Competence

اساس، تدوین‌کنندگان قانون نمونه، تعیین گونه‌های داوری از جمله داوری گروهی را به حاکمیت اراده اصحاب دعوا محول کرده‌اند. با این وجود، رویه عملی مؤید آن است که غالباً طرفین در هنگام انعقاد قرارداد، از درج شروط داوری تفصیلی که دربردارنده جزئیات دقیق آیینی و شکلی باشد، امتناع می‌ورزند (Chan & Behera, 2026, p. 56).

در فرض سکوت یا فقدان توافق صریح پیرامون آیین رسیدگی، بند (٤)(الف)(٢) ماده ٣٤ قانون نمونه (معادل بند و ماده ٣٣ قانون داوری تجاری بین‌المللی) معیاری کلیدی جهت احراز حداقل رضایت لازم برای استنباط موافقت با داوری گروهی ارائه می‌دهد. این مقرره، اختیار محاکم قضایی جهت ابطال رأی داوری را محدود به مواردی می‌سازد که آیین رسیدگی مغایر با توافق طرفین بوده و یا در فرض فقدان توافق، با قانون نمونه انطباق نداشته باشد. اعمال این ضمانت‌اجرا مستلزم تحقق یک نقض اساسی در آیین رسیدگی است که اعتبار رأی صادره را مستقیماً مخدوش سازد. این چارچوب حقوقی مبین آن است که حتی در صورت فقدان توافق صریح بر داوری گروهی، مشروط بر سازگاری این شیوه با قانون نمونه و عدم تعارض آن با اراده ابرازی طرفین، استنباط رضایت نسبت به برگزاری آن از منظر حقوقی موجه خواهد بود. سرانجام، چنانچه داوری گروهی از مجرای استنباط رضایت مجاز شمرده شود، این امر مسلماً مصداق نقض اساسی آیین داوری تلقی نگردیده و موجب تضییع حقوق طرفین یا ابطال رأی نخواهد شد(Chan & Behera, 2026, pp. 56-57). بنابراین در نظام داوری ایران نیز به‌تبع قانون نمونه آنسیترال امکان برگزاری داوری گروهی وجود دارد.

غور در نظام حقوقی ایران، حوزه‌هایی را که هرآن امکان مطرح شدن اختلافاتی با حضور ذی‌نفعان متعدد وجود دارد را نمایان می‌سازد. از جمله این حوزه‌ها، اختلافات بخش تعاونی اقتصاد است. نظام حل‌وفصل اختلافات در این بخش، به‌موجب قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ١٣٧٠ با اصلاحات بعدی، از طریق داوری اتحادیه‌های تعاونی و مرکز داوری اتاق تعاون جریان می‌یابد. ارجاع اختلافات به مرکز داوری اتاق تعاون برخلاف حل‌وفصل اختلافات از طریق اتحادیه‌های تعاونی، با عنایت به الزامات قانونی مندرج در تبصره ٦ ماده ٥٧ و ماده ٧٦ قانون مذکور، جنبه‌ای اجباری می‌یابد (شعاریان، ١٤٠٢: ١٣٦). با توجه به ماهیت جمعی و ساختار مشارکتی شرکت‌های تعاونی، تکثر اشخاص ذی‌نفع در دعاوی این حوزه امری اجتناب‌ناپذیر است. با وجود این تکثر ساختاری، تفحص در مقررات این حوزه، از جمله قانون بخش تعاون، آیین‌نامه داوری در بخش تعاونی مصوب ١٣٨٩ و آیین‌نامه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون ایران مصوب ١٣٩٧ با اصلاحات بعدی حاکی از آن است که مقنن هیچ حکمی پیرامون تأسیس داوری گروهی پیش‌بینی نکرده است. با این حال، این سکوت را نباید به معنای منع یا عدم جواز داوری گروهی تلقی کرد. در توجیه جواز داوری گروهی، نخستین و شاید مهم‌ترین مبنا، اصل حاکمیت اراده است که اقتضا می‌کند در صورت پیش‌بینی داوری گروهی توسط طرفین، اراده آنان محترم شمرده شود. افزون بر این، با استناد به قاعده «صلاحیت نسبت به صلاحیت» مندرج در ماده ٥٢ آیین‌نامه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون، داور از اختیار لازم برای ارزیابی و در صورت لزوم، تجویز رسیدگی گروهی برخوردار است. همچنین، می‌توان با تکیه بر تبصره ماده ٨ آیین‌نامه مزبور، مبانی استدلالی حاکم بر قانون داوری تجاری بین‌المللی را به این حوزه تسری داد و جواز برگزاری داوری گروهی را استنتاج کرد.

از دیگر مواردی که امکان مطرح شدن داوری گروهی وجود دارد، حل اختلافات میان فعالان بازار سرمایه از طریق هیئت داوری موضوع ماده ٣٦ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ١٣٨٤/٠٩/٠١ است. فارغ از اختلاف نظرهای راجع‌به ماهیت هیئت داوری قانون بازار اوراق بهاردار، موضوع حائز اهمیتی که اکنون باید بررسی شود، امکان استفاده از داوری گروهی در این نوع اختلافات است. ماده ١٥ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌مظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و

چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ در راستای حمایت از منافع سهامداران در اجرای بند ۱۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار و برای پیگیری موضوع خودداری ناشران از پرداخت سود سهام به سهامداران، امکان اقامه دعوا توسط سازمان بورس نزد هیئت داوری را پیش‌بینی کرده است. بنابراین مشاهده می‌شود که سازمان بورس در راستای «اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه گذاران در بازار اوراق بهادار» می‌تواند به نمایندگی از سهامداران اقامه دعوی کرده و حقوق آن‌ها را احقاق نماید. موضوع اقامه دعوی به نمایندگی از سهامداران علاوه‌بر مورد فوق، در ماده ٥٦ دستورالعمل آیین رسیدگی به اختلافات در هیأت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸/۰۵/۱٤ با صراحت بیشتری پیش‌بینی شده بود؛[٦٦] که این دستوالعمل به‌موجب مصوبه مورخ ۱٤۰۳/۰۲/۱۷ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار نسخ گردید. بنابراین مشاهده می‌شود که اقامه دعوی به نمایندگی از تعداد کثیری از ذی‌نفعان، موضوع بی‌سابقه‌ای در مقررات مربوط به داوری در سازمان بورس و اوراق بهادار نیست. درست است که در ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، امکان اقامه دعوا به نمایدگی فقط برای سازمان بورس و اوراق بهادار پیش‌بینی شده است اما در کل اصل موضوع (اقامه دعوی به نمایندگی از گروه) مورد پذیرش قانونگذار بوده و در نتیجه در آیین‌نامه‌ها و مصوبات این امکان می‌تواند برای سایر اشخاص نیز تسری یابد.

تعدادی از مواردی که امکان حضور اشخاص متعدد در اختلاف به‌عنوان ذی‌نفع در حقوق ایران وجود دارد، مورد بررسی قرارگرفت. اما باید توجه داشت که این موضوع منحصر به موارد فوق نیست، بلکه زمینه‌هایی وجود دارد که همواره مستعد حضور تعداد کثیری از اشخاص در اختلاف با منشا واحد است.[٦٧] از جمله این موارد قلمرو اختلافات بیمه است که از یک سو به دلیل پیش‌بینی امکان ارجاع اختلافات طرفین قرارداد به داوری و از سوی دیگر حضور اشخاص متعدد در برابر طرف قراردادی واحد، هرآن امکان استفاده از داوری گروهی مطرح می‌شود.[٦٨] بنابراین ورود قانونگذار و ارائه راهکار جامع در این مورد امری اجتناب‌ناپذیر است.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited
پذیرفته‌شده در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده

---

[٦٦] این ماده مقرر می داشت: «به منظور حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، در دعاوی حقوقی دارای جنبه گسترده اقتصادی یا در دعاوی متعدد با منشأ واحد (مانند سود سهام)، سازمان میتواند با ارائه فهرست ذی نفعان موضوع، بدون پرداخت هزینه رسیدگی اقدام به طرح دعوا نماید. در این صورت، طرح دعوای مذکور به منزله اقدام نماینده قانونی ذی نفعان می‌باشد.»

[٦٧] از مواردی که می‌توانست به‌عنوان مصداقی برای داوری دارای ذی‌نفعان متعدد در نظام داوری ایران مطرح شود، داوری موضوع ماده ۲۰ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ بود. این ماده به‌موجب بند ۳ ماده ۱۵ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مصوب ۱٤۰۱/۰۹/۰٦ نسخ گردیده و در نتیجه کلیه اختلافات راجع به قراردادهای پیش فروش ساختمان در صلاحیت محاکم دادگستری قرارگرفته است. بنابراین به دلیل فقدان ارزش عملی از پرداختن به این موضوع خودداری می‌شود.

[٦٨] در این مورد بنگرید به:

ماده ۵ آیین نامه شماره ۷۷ درخصوص شرایط عمومی بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱/۰۸/۳۰؛ ماده ۲۲ آیین نامه شرایط عمومی بیمه بدنه وسایل نقلیه زمینی مصوب ۱۳۸٤/۱۲/۰۹؛ ماده ۲٦ شرایط عمومی بیمه مسئولیت تولید کننده محصول بیمه سامان؛ ماده ۹ بیمه نامه مسافرت خارجی و امداد رسانی بین‌المللی بیمه سینا.

نتیجه

داوری گروهی، به عنوان سازوکاری کارآمد برای حل‌وفصل یکپارچه اختلافات مشابه، تلفیقی از ویژگی‌های دادرسی گروهی و فرآیند داوری است. این نهاد در دو الگوی خروج‌محور (رایج در ایالات متحده آمریکا) و ورودمحور (متداول در کشورهای اروپایی) نمود یافته است. ارزیابی الگوهای داوری گروهی نشان می‌دهد که شیوه ورودمحور به‌دلیل اتکا بر اعلام اراده صریح خواهان‌ها، از کارآمدی و اتقان حقوقی بالاتری برخوردار است؛ با رفع مخاطراتی چون عدم ابلاغ صحیح یا احتمال طرح دعاوی مجدد، بستری اطمینان‌بخش‌تر برای دادرسی عادلانه فراهم می‌سازد. روشن گردید که داوری گروهی، علی‌رغم مواجهه با انتقاداتی نظیر نقض احتمالی اصل محرمانگی و خطر سوءاستفاده خواهان‌ها جهت تحمیل سازش به خواندگان، واجد مزایای غیرقابل‌انکاری است. این نهاد از طریق تجمیع مطالبات و جلوگیری از رسیدگی‌های انفرادی و موازی، موجب افزایش کارآمدی و کاهش چشمگیر بار مالی دادرسی می‌گردد. افزون بر این، داوری گروهی نقش بسزایی در توسعه دسترسی به عدالت ایفا می‌کند؛ به‌ویژه در اختلافات خرد که طرح انفرادی آن‌ها توسط مصرف‌کنندگان عادی در برابر شرکت‌های قدرتمند، فاقد توجیه اقتصادی است.

بررسی موافقت‌نامه داوری در امکان‌سنجی استفاده از داوری گروهی دارای اهمیت وافر است. برآیند رویه‌های قضایی و دکترین حقوقی نشان می‌دهد که سکوت یا ابهام قرارداد به معنای نفی صلاحیت دیوان داوری نیست؛ بلکه می‌توان با به‌کارگیری قواعد عام تفسیری نظیر اصل حسن نیت، تفسیر کارآمد و استنباط رضایت ضمنی، بستر لازم را برای داوری گروهی مهیا ساخت. سرانجام، اتکای حداکثری نظام‌های ملی به قانون نمونه آنسیترال و همسویی آن‌ها با عهدنامه نیویورک، بستر مساعدی را برای شناسایی و اجرای آرای داوری گروهی در سطح داخلی و خارجی فراهم آورده است. تحلیل موانع اجرایی مندرج در ماده ۵ عهدنامه نیویورک نشان می‌دهد که ماهیت گروهی این داوری‌ها، فی‌نفسه مانعی در مسیر اجرای آرای صادره از آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

امکان‌سنجی داوری گروهی در نظام داوری ایران نشان می‌دهد که اگرچه قانون‌گذار مقررات صریح و مدونی در این خصوص وضع ننموده است، اما ظرفیت‌های تفسیری بستر مناسبی برای پذیرش داوری گروهی در قوانین فعلی را فرآهم می‌آورد. در چهارچوب قانون داوری تجاری بین‌المللی که ملهم از قانون نمونه آنسیترال است، به‌نظر می‌رسد تکیه بر اصل حاکمیت اراده و پذیرش اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت (موضوع ماده ۱۶ قانون) به دیوان داوری این اختیار را می‌بخشد که در فرض سکوت یا ابهام موافقت‌نامه، با لحاظ قصد طرفین و عدم نقض اساسی آیین رسیدگی، امکان برگزاری داوری گروهی را بررسی و تجویز نماید. این رویکرد قابلیت تسری به دیگر حوزه‌ها را نیز دارد. در داوری موضوع قانون بخش تعاونی اقتصاد نیز با پذیرش اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت، استدلال فوق در خصوص امکان برگزاری داوری گروهی جریان دارد. افزون بر این، در ساختار بازار اوراق بهادار نیز امکان اقامه دعوا توسط سازمان بورس به نفع تعداد کثیری از سهامداران (موضوع ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید) در هیئت داوری، نشان‌دهنده سابقه پذیرش و مشروعیت سازوکارهای گروهی احقاق حق در نگاه قانون‌گذار ایرانی است.

منابع

۱) فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. شعاریان، ابراهیم (۱٤۰۲). موافقت‌نامه داوری از انعقاد تا انحلال در پرتو حقوق داوری داخلی و بین‌المللی. تهران: شهر دانش.

۲. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۵). شناسایی و اجرای آرای داوری‌های تجاری بین‌المللی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۳. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۹۰). داوری تجاری بین‌المللی «آیین داوری»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

٤. نیکبخت، حمیدرضا (۱٤۰۲). حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی «مجموعه مقالات مشترک» (کتاب سوم): حل و فصل اختلافات (داوری-روش‌های جایگزین). تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

ب) مقاله‌ها

۵. شعاریان، ابراهیم و رام، پریا (۱٤۰۱). ادغام جریان‌های داوری: مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق داوری داخلی و بین‌المللی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۱۳، شماره ۲: ٦۳۲-٦۰۳. DOI: 10.22059/jcl.2022.340687.634333

٦. صفائی، سیدحسین (۱۳۷۷). سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون داوری تجاری بین‌المللی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ٤۰: ۳۹-۵.

۷. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۹). ماده ۹٦۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران. *تحقیقات حقوقی*، دوره ۳، شماره ۳۱ و ۳۲: ۱٤۸-۱۲۵.

۸. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۵). محدودیت‌های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین. *تحقیقات حقوقی*. دوره ۹، شماره٤٤: ۱۳۷-۱۰۹.

۹. نیکبخت، حمیدرضا و احمدی، پویان (۱٤۰۵). چالش‌های توسعه داوری تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی (تحلیل تطبیقی برخی از قوانین و قواعد داوری بین‌المللی). *تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*. دوره۹، شماره ۳۰: ٤۸٦-۳٤۲. DOI: 10.22034/law.2025.2057871.1641

۱۰. نیکبخت، حمیدرضا و علی‌دادی ده کهنه، علی (۱٤۰٤). صدور رأی قابل اجرا، تعهد، تکلیف یا مسئولیت داور. *تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی*. دوره ۲، شماره ٤: ۳۵۰-۳۲۰. DOI: 10.22034/jpl.2025.2068271.1247

2) English

A) Books:

1. Born, G. B. (2012). *International Arbitration: Law and Practice*. The Netherlands: Kluwer Law International.
2. Born, G. B. (2021). *International Commercial Arbitration*. London, England: Kluwer Law International.
3. Chen, H. H.-C., & Chen, X. (2017). *Predictability of "Public Policy" in Article V of the New York Convention Under Mainland China's Judicial Practice*. The Netherlands: Kluwer Law International.
4. Fouchard, P., Gaillard, E., Goldman, B., & Savage, J. (1999). *Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration*. The Hague; Boston: Kluwer Law International.
5. Gaillard, E., & Bermann, G. A. (2017). *Guide on the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards*. Leiden: Brill Nijhoff.
6. Hensler, D. R. (2000). *Class Action Dilemmas*. Santa Monica, CA: Rand Corporation.
7. Lew, J. D. M., Mistelis, L. A., & Kröll, S. (2003). *Comparative International Commercial Arbitration*. The Hague; New York: Kluwer Law International.
8. Marcus, R. L., Sherman, E. F., & Erichson, H. M. (2010). *Complex Litigation*. St. Paul, MN: West Academic Publishing.
9. Kurkela, M., Turunen, S., & Conflict Management Institute. (2010). *Due Process in International Commercial Arbitration*. Oxford; New York: Oxford University Press.

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

10. Merkin, R., & Flannery, L. (2014). *Arbitration Act 1996*. London: Informa Law from Routledge.
11. Moses, M. L. (2019). Public Policy Under the New York Convention: National, International, and Transnational. In K. Fach Gomez & A. M. Lopez-Rodriguez (Eds.), *60 Years of the New York Convention: Key Issues and Future Challenges*. The Netherlands: Kluwer Law International.
12. Wolff, R., Borris, C., Ehle, B., Fox, T. J., Hennecke, R., Kölbl, A., Liebscher, C., et al. (2018). *New York Convention: Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards of 10 June 1958 Article-by-Article Commentary*. Baden-Baden: Nomos / Hart Publishing.
13. Strong, S. I. (2013a). *Class, Mass, and Collective Arbitration in National and International Law*. Oxford: Oxford University Press.
14. Van Den Berg, A. J. (Ed.). (1998). *ICCA Yearbook Commercial Arbitration 1998 - Volume XXIII*. (Vol. 23). The Hague: ICCA & Kluwer Law International.
15. Waincymer, J. (2012). *Procedure and Evidence in International Arbitration*. Alphen Aan Den Rijn: Kluwer Law International.

B) Articles:

16. Blavi, F., & Vial, G. (2016). Class Actions in International Commercial Arbitration. *Fordham International Law Journal*, 39(4): 790-828.
17. Blomgren Bingham, L., Hallberlin, C. J., Walker, D. A., & Chung, W.-T. (2009). Dispute System Design and Justice in Employment Dispute Resolution: Mediation at the Workplace. *Harvard Negotiation Law Review*, 14(1): 1-50.
18. Born, G., & Salas, C. (2012). The United States Supreme Court and Class Arbitration: A Tragedy of Errors. *Journal of Dispute Resolution*, 2012(1): 21-48.
19. Buckner, C. J. (2004). Toward a Pure Arbitral Paradigm of Classwide Arbitration: Arbitral Power and Federal Preemption. *Denver University Law Review*, 82(2): 301–357.
20. Burch, E. C. (2008). Securities Class Actions as Pragmatic Ex Post Regulation. *Georgia Law Review*, 43(1): 63-131.
21. Capes, B., & Schafler, M. D. (2013). Is Canada Ready for Class Arbitration? A Discussion about the Implications of the Ontario Court of Appeal Decision in Wellman v. TELUS Communications Company. *Canadian Arbitration and Mediation Journal*, 26(2): 10-16.
22. Caprasse, O. (2006). The setting up of the Arbitral Tribunal in Multi-Party Arbitration. *International Business Law Journal*, 2006(2): 197-215.
23. Chan, D., & Behera, A. (2026). Class Arbitrations under the UNCITRAL Model Law: Re-Thinking Party Consent. *Arbitration International*, 42(1): 33–72.
24. Crivellaro, A. (2005). Consolidation of Arbitral and Court Proceedings in Investment Disputes. *Law and Practice of International Courts and Tribunals*, 4(3): 371-420.
25. Engel, S. C., & Tropin, S. (2009). Class Action Arbitration: A Plaintiff's Perspective. *FIU Law Review*, 5(1): 145–154.
26. Hamielec, M. R. (2018). Class Dismissed: Compelling a Look at Jurisprudence Surrounding Class Arbitration and Proposing Solutions to Asymmetric Bargaining Power between Parties. *Chicago-Kent Law Review*, 92(3): 1227-64.
27. Hanessian, G., & Chinn, C. (2009). The US Model for International Class-Action Arbitration. *Arbitration: The International Journal of Arbitration, Mediation and Dispute Management*, 75(3): 400-09.
28. Heuberger, F. (2024). Arbitrability of Disputes Regarding Defects in Corporate Resolutions under Austrian and German Law. *Yearbook on International Arbitration and ADR*, 8: 273–94.
29. Howes, B. T., & Banks, H. (2013). A Tale of Two Arbitration Clauses: The Lessons of Oxford Health Plans LLC V. Sutter for the Future of Class-Action Arbitration in the United States. *Journal of International Arbitration*, 30(6): 727–34.
30. Kalven, H. Jr., & Rosenfield, M. (1941). The Contemporary Function of the Class Suit. *The University of Chicago Law Review*, 8(4): 684–721.
31. Kaufmann-Kohler, G. (2003). Globalization of Arbitral Procedure. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 36(4): 1313-33.
32. Konukpay, M. T. (2019). Collective Arbitration. *Public and Private International Law Bulletin*, 39(2): 645–72.
33. Menkel-Meadow, C. (2011). The NLRA's Legacy: Collective or Individual Dispute Resolution or Not? *ABA Journal of Labor and Employment Law*, 26(2), 249–66.
34. Powell, A., & Bales, R. A. (2011). Ethical Problems in Class Arbitration. *Journal of Dispute Resolution*, 2011(2): 309-31.
35. Rau, A. S. (2008). Arbitral Jurisdiction and the Dimensions of 'Consent'. *Arbitration International*, 24(2): 199–264.
36. Reuben, R. C. (2009). Personal Autonomy and Vacatur after Hall Street. *Penn State Law Review*, 113(4): 1103-63.
37. Sherman, E. F. (2002). Group Litigation under Foreign Legal Systems: Variations and Alternatives to American Actions. *DePaul Law Review*, 52(2): 401-32.

38. Sternlight, J. R. (2002). Should an Arbitration Provision Trump the Class Action? No: Permitting Companies to Skirt Class Actions Through Mandatory Arbitration Would Be Dangerous and Unwise. *Dispute Resolution Magazine*, 2002: 13–22.
39. Stipanovich, T. J. (2012). The Third Arbitration Trilogy: Stolt-Nielsen, Rent-A-Center, Concepcion and the Future of American Arbitration. *American Review of International Arbitration*, 22(3): 323-434.
40. Strong, S. I. (2008). Enforcing Class Arbitration in the International Sphere: Due Process and Public Policy Concerns. *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 30(1): 1-100.
41. Strong, S. I. (2009). The Sounds of Silence: Are U.S. Arbitrators Creating Internationally Enforceable Awards When Ordering Class Arbitration in Cases of Contractual Silence or Ambiguity? *Michigan Journal of International Law*, 30(4): 1017-94.
42. Strong, S. I. (2010). From Class to Collective: The De-Americanization of Class Arbitration. *Arbitration International*, 26(4): 493–548.
43. Strong, S. I. (2011). Collective Arbitration Under the DIS Supplementary Rules for Corporate Law Disputes: A European Form of Class Arbitration? *ASA Bulletin*, 29(1): 45–65.
44. Strong, S. I. (2012a). Does Class Arbitration 'Change the Nature of Arbitration? Stolt-Nielsen, AT&T, and a Return to First Principles. *Harvard Negotiation Law Review*, 17: 201-71.
45. Strong, S. I. (2012b). Resolving Mass Legal Disputes through Class Arbitration: The United States and Canada Compared. *North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation*, 37(4): 921-80.
46. Strong, S. I. (2013b). Collective Consumer Arbitration in Spain: A Civil Law Responses to US-Style Class Arbitration. *Journal of International Arbitration*, 30(5): 495–510.
47. Tzankova, I., & Scheurleer, D. L. (2009). The Netherlands. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 662: 149–60.
48. Weston, M. A. (2012). The Death of Class Arbitration after Concepcion? *Kansas Law Review*, 60(4): 101-209.

D) Reports:

49. Brekoulakis, S. (2009). *On Arbitrability: Persisting Misconceptions and New Areas of Concern* (Legal Studies Research Paper No. 20/2009). London: Queen Mary University of London.
50. Strong, S. I. (2017). *Implicit Consent and Unanticipated Risk in Class, Mass and Collective Arbitration* (Legal Studies Research Paper Series No. 2016-25). In *The Cambridge Compendium of International Commercial and Investment Arbitration*. Cambridge: Cambridge University Press.
51. United Nations Commission on International Trade Law. (1982). *Report of the Working Group on International Contract Practices on the Work of its Third Session* (A/CN.9/216). New York: United Nations General Assembly.

E) Websites:

52. Pair, L. (2026). Efficiency at All Cost – Arbitration and Consolidation? *Kluwer Arbitration Blog*. Retrieved 5 Jul. 2026 from https://legalblogs.wolterskluwer.com/arbitration-blog/efficiency-at-all-cost-arbitration-and-consolidation/

F) Cases:

53. *AT&T Mobility LLC v. Concepcion*, 563 U.S. (2011).
54. *Blue Cross of Cal. v. Superior Court of L.A. County*, 67 Cal. App. 4th 42, (Cal. Ct. App. 1998).
55. *Champ v. Siegel Trading Co., Inc*., 55 F.3d 269 (7th Cir. 1995).
56. *Deiulemar Compagnia di Navigazione Spa v. M/V Allegra*, 198 F.3d 473, (4th Cir. 1999).
57. *Dominium Austin Partners, L.L.C. v. Emerson,* 248 F.3d 720, (8th Cir. 2001).
58. *EEOC v. Frank's Nursery & Crafts, Inc.*, 177 F.3d 448, (6th Cir. 1999).
59. *Fleetwood Enters. Inc. v. Gaskamp*, 280 F.3d 1069, (5th Cir. 2002).
60. *Gove v. Career Sys. Dev. Corp.*, 689 F.3d 1, (1st Cir. 2012).
61. *Green Tree Financial Corp. v. Bazzle*, 539 U.S. 444 (2003).
62. *Haviland v. Goldman, Sachs & Co.*, 736 F.Supp. 507, (S.D.N.Y. 1990).
63. *In re Am. Express Merchs. Litig*., 667 F.3d 204, (2d Cir. 2012).
64. *Internaves de Mexico SA de CV v. Andromeda S.S. Corp.*, 898 F.3d 1087, (11th Cir. 2018).
65. *Johnson v. W. Suburban Bank*, 225 F.3d 366, (3d Cir. 2000).
66. *Mastrobuono v. Shearson Lehman Hutton, Inc.*, 514 U.S. 52, (U.S. S.Ct. 1995).
67. *Oxford Health Plans LLC v. Sutter*, No. 12-135, 2064 U.S. (10 Jun. 2013).

Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

68. *PaineWebber Inc. v. Bybyk.,* 81 F.3d 1193, (2d Cir. 1996).
69. *Sanders v. Forex Capital Mkts., LLC,* No. 11 Civ. 0864(CM), 2011 WL 5980202, (S.D.N.Y. Nov. 29, 2011).
70. *Shaw Group Inc. v. Triplefine Int'l Corp.*, 322 F.3d 115, (2d Cir. 2003).
71. *Southland Corp. v. Keating* 465 U.S. 1, 10 (1984).
72. *Stolt-Nielsen v. Animal Feeds Int'l Corp.,* 559 U.S. 662, (2010).
73. *Szetela v. Discover Bank,* 97 Cal.App.4th 1094, (Cal. Ct. App. 2002).
74. *Velez v Perrin Holden & Davenport Capital Corp*. 769 F. Supp. 2d 445 (2011).

References:

1. *AT&T Mobility LLC v. Concepcion*, 563 U.S. (2011).
2. Blavi, F., & Vial, G. (2016). Class Actions in International Commercial Arbitration. *Fordham International Law Journal*, 39(4): 790-828.
3. Blomgren Bingham, L., Hallberlin, C. J., Walker, D. A., & Chung, W.-T. (2009). Dispute System Design and Justice in Employment Dispute Resolution: Mediation at the Workplace. *Harvard Negotiation Law Review*, 14(1): 1-50.
4. *Blue Cross of Cal. v. Superior Court of L.A. County*, 67 Cal. App. 4th 42, (Cal. Ct. App. 1998).
5. Born, G. B. (2012). *International Arbitration: Law and Practice*. The Netherlands: Kluwer Law International.
6. Born, G. B. (2021). *International Commercial Arbitration*. London, England: Kluwer Law International.
7. Born, G., & Salas, C. (2012). The United States Supreme Court and Class Arbitration: A Tragedy of Errors. *Journal of Dispute Resolution*, 2012(1): 21-48.
8. Brekoulakis, S. (2009). *On Arbitrability: Persisting Misconceptions and New Areas of Concern* (Legal Studies Research Paper No. 20/2009). London: Queen Mary University of London.
9. Buckner, C. J. (2004). Toward a Pure Arbitral Paradigm of Classwide Arbitration: Arbitral Power and Federal Preemption. *Denver University Law Review*, 82(2): 301–357.
10. Burch, E. C. (2008). Securities Class Actions as Pragmatic Ex Post Regulation. *Georgia Law Review*, 43(1): 63-131.
11. Capes, B., & Schafler, M. D. (2013). Is Canada Ready for Class Arbitration? A Discussion about the Implications of the Ontario Court of Appeal Decision in Wellman v. TELUS Communications Company. *Canadian Arbitration and Mediation Journal*, 26(2): 10-16.
12. Caprasse, O. (2006). The setting up of the Arbitral Tribunal in Multi-Party Arbitration. *International Business Law Journal*, 2006(2): 197-215.
13. *Champ v. Siegel Trading Co., Inc*., 55 F.3d 269 (7th Cir. 1995).
14. Chan, D., & Behera, A. (2026). Class Arbitrations under the UNCITRAL Model Law: Re-Thinking Party Consent. *Arbitration International*, 42(1): 33–72.
15. Chen, H. H.-C., & Chen, X. (2017). *Predictability of "Public Policy" in Article V of the New York Convention Under Mainland China's Judicial Practice*. The Netherlands: Kluwer Law International.
16. Crivellaro, A. (2005). Consolidation of Arbitral and Court Proceedings in Investment Disputes. *Law and Practice of International Courts and Tribunals*, 4(3): 371-420.
17. *Deiulemar Compagnia di Navigazione Spa v. M/V Allegra*, 198 F.3d 473, (4th Cir. 1999).
18. *Dominium Austin Partners, L.L.C. v. Emerson,* 248 F.3d 720, (8th Cir. 2001).
19. *EEOC v. Frank's Nursery & Crafts, Inc.*, 177 F.3d 448, (6th Cir. 1999).
20. Engel, S. C., & Tropin, S. (2009). Class Action Arbitration: A Plaintiff's Perspective. *FIU Law Review*, 5(1): 145–154.
21. *Fleetwood Enters. Inc. v. Gaskamp*, 280 F.3d 1069, (5th Cir. 2002).
22. Fouchard, P., Gaillard, E., Goldman, B., & Savage, J. (1999). *Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration*. The Hague; Boston: Kluwer Law International.
23. Gaillard, E., & Bermann, G. A. (2017). *Guide on the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards*. Leiden: Brill Nijhoff.
24. *Gove v. Career Sys. Dev. Corp.*, 689 F.3d 1, (1st Cir. 2012).
25. *Green Tree Financial Corp. v. Bazzle*, 539 U.S. 444 (2003).
26. Hamielec, M. R. (2018). Class Dismissed: Compelling a Look at Jurisprudence Surrounding Class Arbitration and Proposing Solutions to Asymmetric Bargaining Power between Parties. *Chicago-Kent Law Review*, 92(3): 1227-64.
27. Hanessian, G., & Chinn, C. (2009). The US Model for International Class-Action Arbitration. *Arbitration: The International Journal of Arbitration, Mediation and Dispute Management*, 75(3): 400-09.
28. *Haviland v. Goldman, Sachs & Co.*, 736 F.Supp. 507, (S.D.N.Y. 1990).
29. Hensler, D. R. (2000). *Class Action Dilemmas*. Santa Monica, CA: Rand Corporation.
30. Heuberger, F. (2024). Arbitrability of Disputes Regarding Defects in Corporate Resolutions under Austrian and German Law. *Yearbook on International Arbitration and ADR*, 8: 273–94.

31. Howes, B. T., & Banks, H. (2013). A Tale of Two Arbitration Clauses: The Lessons of Oxford Health Plans LLC V. Sutter for the Future of Class-Action Arbitration in the United States. *Journal of International Arbitration*, 30(6): 727–34.
32. *In re Am. Express Merchs. Litig*., 667 F.3d 204, (2d Cir. 2012).
33. *Internaves de Mexico SA de CV v. Andromeda S.S. Corp.*, 898 F.3d 1087, (11th Cir. 2018).
34. *Johnson v. W. Suburban Bank*, 225 F.3d 366, (3d Cir. 2000).
35. Kalven, H. Jr., & Rosenfield, M. (1941). The Contemporary Function of the Class Suit. *The University of Chicago Law Review*, 8(4): 684–721.
36. Kaufmann-Kohler, G. (2003). Globalization of Arbitral Procedure. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 36(4): 1313-33.
37. Konukpay, M. T. (2019). Collective Arbitration. *Public and Private International Law Bulletin*, 39(2): 645–72.
38. Kurkela, M., Turunen, S., & Conflict Management Institute. (2010). *Due Process in International Commercial Arbitration*. Oxford; New York: Oxford University Press.
39. Lew, J. D. M., Mistelis, L. A., & Kröll, S. (2003). *Comparative International Commercial Arbitration*. The Hague; New York: Kluwer Law International.
40. Marcus, R. L., Sherman, E. F., & Erichson, H. M. (2010). *Complex Litigation*. St. Paul, MN: West Academic Publishing.
41. *Mastrobuono v. Shearson Lehman Hutton, Inc.*, 514 U.S. 52, (U.S. S.Ct. 1995).
42. Menkel-Meadow, C. (2011). The NLRA's Legacy: Collective or Individual Dispute Resolution or Not? *ABA Journal of Labor and Employment Law*, 26(2), 249–66.
43. Merkin, R., & Flannery, L. (2014). *Arbitration Act 1996*. London: Informa Law from Routledge.
44. Moses, M. L. (2019). Public Policy Under the New York Convention: National, International, and Transnational. In K. Fach Gomez & A. M. Lopez-Rodriguez (Eds.), *60 Years of the New York Convention: Key Issues and Future Challenges*. The Netherlands: Kluwer Law International.
45. Nikbakht, Hamidreza, & Ahmadi, Pouyan. (2026). Challenges to the Development of International Commercial and Investment Arbitration (Comparative Analysis of Some International Arbitration Laws and Rules). *Journal of Research and Development in Comparative Law, 9*(30), 344–392. DOI: 10.22034/law.2025.2057871.1641
46. Nikbakht, Hamidreza, & Alidadi Deh Kohne. (2025). Rendering an enforceable award, duty, obligation, or responsibility of the arbitrator. *Journal of Research and Development in Private Law, 2*(2), 320–350. DOI: 10.22034/jpl.2025.2068271.1247
47. Nikbakht, Hamidreza. (2000). Article 968 of the Civil Code and Article 27 of Iran's International Commercial Arbitration Act. *Legal Research, 3*(31–32), 125–148. (in Persian)
48. Nikbakht, Hamidreza. (2006). *Recognition and Enforcement of International Commercial Arbitral Awards in Iran*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research. (in Persian)
49. Nikbakht, Hamidreza. (2006). Restrictions on the Application of Foreign Law in Conflict of Laws. *Legal Research, 9*(44), 109–137. (in Persian)
50. Nikbakht, Hamidreza. (2011). *International Commercial Arbitration: Arbitral Procedure*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research. (in Persian)
51. Nikbakht, Hamidreza. (2023). *International Trade and Investment Law: A Collection of Co-authored Articles, Book 3: Dispute Resolution (Arbitration and Alternative methods)*. Tehran: Commercial Publishing and Printing Company. (in Persian)
52. *Oxford Health Plans LLC v. Sutter*, No. 12-135, 2064 U.S. (10 Jun. 2013).
53. *PaineWebber Inc. v. Bybyk.,* 81 F.3d 1193, (2d Cir. 1996).
54. Pair, L. (2026). Efficiency at All Cost – Arbitration and Consolidation? *Kluwer Arbitration Blog*. Retrieved 5 Jul. 2026 from https://legalblogs.wolterskluwer.com/arbitration-blog/efficiency-at-all-cost-arbitration-and-consolidation/
55. Powell, A., & Bales, R. A. (2011). Ethical Problems in Class Arbitration. *Journal of Dispute Resolution*, 2011(2): 309-31.
56. Rau, A. S. (2008). Arbitral Jurisdiction and the Dimensions of 'Consent'. *Arbitration International*, 24(2): 199–264.
57. Reuben, R. C. (2009). Personal Autonomy and Vacatur after Hall Street. *Penn State Law Review*, 113(4): 1103-63.
58. Safaei, Seyed Hossein. (1998). Some Remarks on the Innovations and Deficiencies of the International Commercial Arbitration Act. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 40*, 5–39. (in Persian)
59. *Sanders v. Forex Capital Mkts., LLC,* No. 11 Civ. 0864(CM), 2011 WL 5980202, (S.D.N.Y. Nov. 29, 2011).
60. *Shaw Group Inc. v. Triplefine Int'l Corp.*, 322 F.3d 115, (2d Cir. 2003).
61. Sherman, E. F. (2002). Group Litigation under Foreign Legal Systems: Variations and Alternatives to American Actions. *DePaul Law Review*, 52(2): 401-32.
62. Shoarian, Ebrahim. (2023). Arbitration Agreement: From Formation to Termination in the Light of Domestic and International Arbitration Law. Tehran: Shahre Danesh. (in Persian)
63. Shoarian, Ebrahim; Ram, Paria (2022). Consolidation of Arbitral Proceedings: A Comparative Study under National and International Arbitration Law. Comparative Law Review, 13 (2), 603-632. (in Persian)
64. *Southland Corp. v. Keating* 465 U.S. 1, 10 (1984).

65. Sternlight, J. R. (2002). Should an Arbitration Provision Trump the Class Action? No: Permitting Companies to Skirt Class Actions Through Mandatory Arbitration Would Be Dangerous and Unwise. *Dispute Resolution Magazine*, 2002: 13–22.
66. Stipanovich, T. J. (2012). The Third Arbitration Trilogy: Stolt-Nielsen, Rent-A-Center, Concepcion and the Future of American Arbitration. *American Review of International Arbitration*, 22(3): 323-434.
67. *Stolt-Nielsen v. Animal Feeds Int'l Corp.,* 559 U.S. 662, (2010).
68. Strong, S. I. (2008). Enforcing Class Arbitration in the International Sphere: Due Process and Public Policy Concerns. *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 30(1): 1-100.
69. Strong, S. I. (2009). The Sounds of Silence: Are U.S. Arbitrators Creating Internationally Enforceable Awards When Ordering Class Arbitration in Cases of Contractual Silence or Ambiguity? *Michigan Journal of International Law*, 30(4): 1017-94.
70. Strong, S. I. (2010). From Class to Collective: The De-Americanization of Class Arbitration. *Arbitration International*, 26(4): 493–548.
71. Strong, S. I. (2011). Collective Arbitration Under the DIS Supplementary Rules for Corporate Law Disputes: A European Form of Class Arbitration? *ASA Bulletin*, 29(1): 45–65.
72. Strong, S. I. (2012a). Does Class Arbitration 'Change the Nature of Arbitration? Stolt-Nielsen, AT&T, and a Return to First Principles. *Harvard Negotiation Law Review*, 17: 201-71.
73. Strong, S. I. (2012b). Resolving Mass Legal Disputes through Class Arbitration: The United States and Canada Compared. *North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation*, 37(4): 921-80.
74. Strong, S. I. (2013a). *Class, Mass, and Collective Arbitration in National and International Law*. Oxford: Oxford University Press.
75. Strong, S. I. (2013b). Collective Consumer Arbitration in Spain: A Civil Law Responses to US-Style Class Arbitration. *Journal of International Arbitration*, 30(5): 495–510.
76. Strong, S. I. (2017). *Implicit Consent and Unanticipated Risk in Class, Mass and Collective Arbitration* (Legal Studies Research Paper Series No. 2016-25). In *The Cambridge Compendium of International Commercial and Investment Arbitration*. Cambridge: Cambridge University Press.
77. *Szetela v. Discover Bank,* 97 Cal.App.4th 1094, (Cal. Ct. App. 2002).
78. Tzankova, I., & Scheurleer, D. L. (2009). The Netherlands. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 662: 149–60.
79. United Nations Commission on International Trade Law. (1982). *Report of the Working Group on International Contract Practices on the Work of its Third Session* (A/CN.9/216). New York: United Nations General Assembly.
80. Van Den Berg, A. J. (Ed.). (1998). *ICCA Yearbook Commercial Arbitration 1998 - Volume XXIII*. (Vol. 23). The Hague: ICCA & Kluwer Law International.
81. *Velez v Perrin Holden & Davenport Capital Corp*. 769 F. Supp. 2d 445 (2011).
82. Waincymer, J. (2012). *Procedure and Evidence in International Arbitration*. Alphen Aan Den Rijn: Kluwer Law International.
83. Weston, M. A. (2012). The Death of Class Arbitration after Concepcion? *Kansas Law Review*, 60(4): 101-209.
84. Wolff, R., Borris, C., Ehle, B., Fox, T. J., Hennecke, R., Kölbl, A., Liebscher, C., et al. (2018). *New York Convention: Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards of 10 June 1958 Article-by-Article Commentary*. Baden-Baden: Nomos / Hart Publishing.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

Class Arbitration: An Approach to Resolving Disputes Involving Multiple Stakeholders (A Comparative Study)

Abstract

The continuous evolution of dispute resolution mechanisms in response to expanding commercial relations has confronted arbitration with the challenge of efficiently managing disputes involving multiple stakeholders. Accordingly, class arbitration combines elements of class actions and arbitration, enabling similar claims brought by multiple claimants against a common respondent to be resolved in a single proceeding. Employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study examines class arbitration as a means of balancing access to justice with arbitral efficiency. It explores the nature and features of this mechanism, including its opt-in and opt-out models, and distinguishes it from related concepts, particularly multi-party arbitration and the consolidation of arbitral proceedings. It then considers the role of the arbitration agreement in determining whether class proceedings may be conducted, focusing on agreements that expressly permit or preclude class arbitration, as well as those that remain silent or ambiguous. The study also assesses the recognition and enforcement of class arbitral awards under the New York Convention, addressing potential objections concerning due process, the composition of the arbitral tribunal or the procedure, arbitrability, and public policy. The findings indicate that, despite interpretive difficulties arising from silent or ambiguous agreements and concerns about confidentiality and the risk of abuse by claimants, class arbitration does not inherently conflict with fundamental principles of arbitration, including party autonomy and due process. Procedural safeguards, particularly effective notice and a meaningful opportunity to be heard, can address these concerns. Moreover, the collective nature of such proceedings does not, in itself, prevent recognition and enforcement of the resulting awards under existing international frameworks. Finally, the examination of Iranian law indicates that, although no specific legislation expressly regulates class arbitration, its adoption is not precluded. Party autonomy, the competence-competence principle enshrined in Article 16 of the Iranian International Commercial Arbitration Act, and representative-claim mechanisms in certain fields provide legal foundations for accepting and applying this procedure in Iran.

Keywords: Class Arbitration; Mass Arbitration; Multiple Stakeholders; Arbitration Agreement; Recognition and Enforcement of Arbitral Awards

ویراستاری نشده | Accepted | Awaiting Publication